



# جنگ و گروگانها

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند  
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند  
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر  
ازمکنشان و روشنگران انقلابی متکی هستند))  
(ولادیمیر لنین)

کارگران جهان متحد شوید!

۲۰ صفحه

## رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - چهارشنبه - ۷ آبان ۵۹ باضمیمه ۳۰ ریال

### زمینه های وقوع و بازتاب بین المللی جنگ

تغییراتی که در منطقه خلیج فارس و خاور میانه در چند سال اخیر بوجود آمده تا ثیرات مهمی بر سیر تحولات جهان گذارده است. یکی از محصولات این تغییرات همانا جنگ اخیر میان ایران و عراق است. **بقیه صفحه ۳**

### گزارش به خلق ایران از جنوب جنگ زده

کمی دیر از خواب بلند شده بودم، صبحانه نخورده، علامه ها و کتابها را ریختم. شوی ساک ۱۰۰ تا هم بیک رزمندگان برداشتم برای فروش توی محله! از در حیات که بیرون می آمدم یکباره صدای انفجاری هوا را لرزاند. سرعت خودم را به خیابان رسانیدم **بقیه صفحه ۱۰**



مسئله گروگانهای جاسوس آمریکا بی یکی از جنرال برا - نگیزترین مسائل بین المللی در سال گذشته بود. در ۲۳ آبان سال گذشته دانشجویان خط امام به معیت و حمایت عناصری از هیات حاکمه و در مخالفت با سیاست دو جبهه ای موقت بازرگان در مورد نژادیکشی و سازش رسمی و علنی با امپریالیسم آمریکا دست با شغال سفارت آمریکا و گروگانگیری کارمندان جاسوس آن زدند. این اقدام، تجربه تیره شدن روابط ایران و آمریکا و سپس قطع رسمی آن گردید. در طول یکساله گذشته مسئله گروگانها همواره عامل مهمی در جلوگیری از عادی شدن روابط ایران و آمریکا و بمحاله رسیدن رژیم حاکم بر ایران با آمریکا بوده و با لامل همواره مورد مخالفت بورژوازی لیبرال قرار گرفته است. **بقیه صفحه ۲**

### دزفول

شاهد جنایتی دیگر، توستار رژیم عراق

حمله موشکی ارتش عراق به شهر دزفول که به شهادت دهها تن از هم میهنان مبارز ما منجر شده است نشانه هنده، ماهیت جنایتکارانه رژیم عراق است. این دومین باری است که چنین جنایتی رخ میدهد. ما توانی جمهوری اسلامی در فراهم نمودن امکانات دفاعی در مقابل چنین حملاتی و بدتر از آن مجبور کردن همه مردم به کار روزندگی عادی در شهرهایی که این چنین در معرض خطرند بر ما داین فاجعه افزوده است.

در صفحات دیگر بخوانید



جنگ و حیلله های سرمایه داران!



یک گزارش روستایی از کردستان



یاد رفیق رزمنده شهید

محمد رضا رضائی

والگرمی بداریم!

لیبرالها جان تازه ای می گیرند

### درباره جنگ و تاکتیک کمونیستها

• امپریالیسم آمریکا گرگی است که تاکنون با رها و بارها اعلام کرده است رابطه اش را با خلقهای جهان "عادلانه" خواهد نمود. اما هر کسی میدانند امپریالیستها هر روز هزاران بار از آزادی و استقلال خلقهای جهان حرف میزنند و منظورشان هم اینست که: خلقهای جهان فقط وقتی آزاد و مستقلند که از نظر سیاسی و اقتصادی به امپریالیسم وابسته بوده و تحت سلطه باشند. توبه است! امپریالیسم آمریکا مرگ است نه توبه نوشتن بر روی کاغذ!

در صفحه ۱۴

ضمیمه ۱

### اخبار جنگ

توبه  
گرگ  
مرگ  
است!

کارگران جهان متحد شوید!

## جنگ

کمونیتها که همواره منافع دی مبارزه با امپریالیسم و پیگانه های داخلی آن بوده اند، در همان موقع اعلام نمودند که خرده بورژوازی حاکم علیرغم اشغال سفارت و گروگانگیری جاسویان، از آنجا شبکه امریکو-بمبارزات توده ها و سلب قدرت از آنان و خفه کردن هر چه بیشتر خلافت و اینکار توده ای را به عنوان مسئله ای وجهی همت خود را خسته است نمیتواند مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی را بطور جدی و بنحوی که بین کننده منافع توده ها باشد پیش ببرد. اما این مبارزه از آنجا شبکه به تشدید تقاضای طبقه کارگر و توده های ستم دیده با محور ژوازی و امپریالیسم منجر می گردد، میتواند اندواید که مورد استفاده کمونیستها قرار گیرد. و از این رو امری است معین و مثبت. اینک یکسال پس از این واقع و در حالیکه تصادفی ضمیمه و شاید میمون خالگردا شناسال سفارت و روز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را برهم منطبق نموده است (۱۳ تیر) ۴۰ نوات میر) محت این گفتار هر چه بیشتر روشن میگردد زیرا ظاهر است گویا پی که با مصالحیت بگروگان گرفته شدن در تقییمت خون توده های مردم جنوب کشورمان و از میان اجساد شهدای خرمشهر در حال آزاد شدن هستند. اما ببینیم جریان از چه قرار است.

امپریالیسم آمریکا، از تاجع منطقه خاور میانه و بورژوازی عراق همچنان که با رهنگ گفته ایم از جنگ هدف سرنگونی را تحقیر مینمودند، امپریالیسم آمریکا بر آن بود که با وارد آمدن ضربتی از جانب قوای نظامی عراق، آشفتگی و هرج و مرج موجود در ایران افزایش یابد. فته و باعث تضعیف هر چه بیشتر رژیم حاکم و در درجه اول جناح خرده بورژوازی آن گردد و این شرایط به ضد انقلاب مغلوب و داورونده های مسلح پالیزبان

و اویسی مزدور را زده و دتا با استفاده از ناراضا بیتی وسیع توده های مردم از رژیم و گرایش آنها به بختیار (که شدیداً افزا بیش یافته بود) وارد عمل شده و با خود و با کمک فرماندهان ارتش و بخش قابل ملاحظه ای از ارتش ناراضی قدرت را در دست گیرند و با اینکه قدرت کاملاً بدست بورژوازی در ایران منتقل شود و عمل در آمدن این ستارینو نمیتوانست منجر به روی گنار آمدن رژیم سرسپرده آمریکا گشته و خا غرا امپریالیستهای

پدیرش سلطه مجدداً امپریالیسم نبودند. نتیجه اینکه جنگ بجای تقویت به تضعیف ضد انقلاب مغلوب و گاهش شد بدنفوذ آن در میان توده ها منجر گشت. اما شکست این سیاست امپریالیسم لا اقل در کوتاه مدت بمعنای پایان یافتن توطئه های آن نیست و اینک امپریالیسم آمریکا راه دیگری را انتخاب کرده است. اگر این جنگ که بر طبق نقشه های امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، منجر به تقویت خرده بورژوازی

● آمریکا اگر تا کنون نتوانست رژیم حاکم را با قاطعیت کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید اما قادر است که با استفاده از جنگ ایران و عراق و فشارهایی که این جنگ بر جنبه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید و با انکاء به تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت جنگ سعی نماید تا رژیم ایران را زام نماید.

حاکم ایران و تضعیف رژیم مدام گردد مسلماً برنده آن است. آمریکا نخواهد بود، اینجاست از آن چرخش که ظاهر و در سیاست امپریالیسم آمریکا دیده میشود در هفته گذشته آمدن نماییکی در محبت از جنگ ایران و عراق عبارت آنجا و عراق را بکار می برد. آمریکا اعلام مینماید که با تجزیه ایران و خفه و ارتش بر تمامیت ارضی آن مخالف است. این به چه معناست؟ آمریکا تصمیم گرفته است که ارتجاع منطقه و رژیم مدام را که بعد از سالها گرایش به شوروی اخیراً با آمریکا نزدیک شده است، رها کرده و به حمایت از رژیم ایران بپردازد. از آنهم رژیمی که تحت هژمونی خرده بورژوازی حاکم قرار داشته و اطمینان یافتن کامل از آن برای آمریکا لا اقل فعلاً قابل تصور نیست. این تصور البته نادرست است. آمریکا هرگز عراق و ارتجاع منطقه را رها نخواهد ساخت. این امری روشن و واضح است. اما مسئله ای که باعث چرخش ظاهری در سیاست های آمریکا گشته چیزی جز شکست سیاست اول و ادامه سیاستی که منجر به جنگ گردیده بشود ای

دیگر نیست. آمریکا اگر تا کنون نتوانست رژیم حاکم را با قاطعیت کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید اما قادر است که با استفاده از جنگ ایران و عراق و فشارهایی که این جنگ بر جنبه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید و با انکاء به تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت سعی نماید تا رژیم ایران را زام نماید. اما این جنگ که بر طبق نقشه های امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، منجر به تقویت بورژوازی

خویش در حاکمیت و تشبیت خود با آمریکا میباشد. شروع این سازش برسد به نقطه شروع این سازش گروگانها هستند. آمریکا اعلام میدارد که حاضر است در قبال تحویل گروگانها لوازم بدکی مورد نیاز ارتش ایران را تحویل دهد و خرده بورژوازی حاکم نیز میروند با این امر توافق نماید و بورژوازی لیبرال نیز او را در این راه تشجیع و تشویق مینماید. آمریکا اگر بتواند با استفاده از این فرصت، فرصتی که خود پدید آورده است، هم گروگانها را آزاد ساخته و هم ایران را بخصوص از لحاظ نظامی بخود نزدیک کند مسلماً به بخشی از اهداف خود از جنگ نایل آمده است. یعنی اگر قادر به سرنگونی خرده بورژوازی حاکم نگردیده در عوض بتواند او را رام سازد، اگر چه نمیتوان آزادی گروگانها را قطعی دانست ولی شکی نیست که از هر دو طرف تلاشهای زیادی در این مورد می شود. بخصوص نزدیکی موعدا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در این تشدید تلاش آمریکا برای باز پس گرفتن گروگانها بسیار مؤثر است.

بهر حال در صورتیکه آمریکا در این امر موفق گردد به احتمال قوی سعی خواهد نمود که از گسترش دامنه جنگ جلوگیری نمود و جنگ را تا حد رام کردن رژیم ایران و تقویت بورژوازی لیبرال بقیه مدتی رها کند.

بقیما صفحه ۱

## زمینه‌های وقوع جنگ و

اهمیت جنگ در این منطقه آنچنان است که بهیچ وجه نمیتواند برای کشورهای مختلف، مخصوصاً امپریالیست‌هایی که مهمترین ماده خام خود (نفت) را از این منطقه تهیه میکنند قابل اغماض باشد. این واقعیت بعلاوه میلیاردها دلار که توسط امپریالیست‌های مختلف در کشورهای مختلف این منطقه سرمایه‌گذاری شده است و با لایحه‌ها و مفاد پایگاه‌های متعدد نظامی آنها و رشته‌های مختلفی که منافع امپریالیست‌ها را بر این منطقه مربوط میکند همگی بر اهمیت تغییرات این منطقه میافزاید. یکی از مهمترین تغییراتی که در این منطقه در چند ساله اخیر رخ داده است سرنگونی رژیم شاه در اثر جنبش انقلابی بوده‌های مردم ایران بوده است. رژیم شاه که رژیمی سرسپرده به امپریالیسم بوسیزه امپریالیسم آمریکا بود، علاوه بر میلیاردها دلار که از لحاظ اقتصادی بواسطه خرید کالاها، انعقاد قراردادهای تأمین شرایط صدور سرمایه به ایران، عاید سرمایه داری جهانی میشد، بتدریج به عامل اصلی حفظ ثبات منطقه خلیج فارس از نظر امپریالیست‌ها تبدیل گشت.

از اواسط سالهای ۷۰ - ۱۹۶۰ که رژیم عراق با قطع پیوندهای اقتصادی (نظیر ملی کردن نفت)، سیاسی و نظامی (خروج از سنتو) با آمریکا و انگلیس، روبه توشه مناسبات اقتصادی و سیاسی و نظامی با شوروی گدارد، و نیز حکومت متعادل به شوروی برین جنوبی استقرار یافت، منافع امپریالیسم آمریکا با خنجر در منطقه مواج گشت؛ توسعه جنبشهای ضد امپریالیستی از یک سو و رشد نفوذ رقیب آن از سوی دیگر.

خبر فوق زمانی در منطقه بالا گرفت که سیاست عمومی امپریالیسم بدلیل شکست مفتضحانه‌ای که در ویتنام عاید شده بود در مورد دخالت مستقیم در اعمال قدرت خویش دچار تجدیدنظر میگشت. در ۱۹۷۱ تئوری جدیدی تحت عنوان دکترین نیکسون به نیابت از سوی جهان سرمایه داری توسط امپریالیسم آمریکا تهیه گشت. بزبان این دکترین تقویت و تجهیز جنگ‌های نخبه‌گری امپریالیسم در مناطق مختلف در پناه فروش میلیونها دلار اسلحه و لشکر مستشاران نظامی جا بگزین حضور مستقیم و آشکار نیروی نظامی، در تحولات منطقه میگشت. رژیم شاه به چند دلیل شرایط تبدیل

به چنین میزهای را داشت. اولاً: دستیابی به میلیاردها دلار از خارجی از طریق فروش نفت. ثانیاً: ماهیت خود این رژیم که جای هیچ تردید و ملاحظه‌ای را در ایفای این نقش باقی نمیگذارد. ثالثاً: موقعیت استراتژیک نظامی که ایران در خلیج فارس داشت.

ابعد تسلیح و تجهیز رژیم شاه تا آنجا رفت که بزودی این رژیم اولین شاهکار خود را در سرکوب جنبش انقلابی خلق ظفار بر علیه سلطان قابوس به اجرا آورد. نیزه‌های نظامی رژیم شاه در مرزهای یمن که پشتگاه این جنبش انقلابی بود مستقر گردید و به تحریکات و تهاجمات مرزی مشغول گشت. این عمل رژیم شاه بدنبال افزایش نیروی نظامی ارتش شاهنشاهی در خلیج فارس و جایگزین شدن آن بجای نیروهای انگلیسی مستقر در جزیره (تنب بزرگ و کوچک و ابو موسی) صورت گرفت و بدینوسیله سیطره نظامی خویش را تکمیل نمود.

رژیم عراق هر آن زمان که در کنف حمایت سوسیالیست امپریالیست‌های شوروی سودایی مشابه رژیم شاه را در سر میپورراند، بعنوان یک رقیب منطقه‌ای برای رژیم شاه و عامل یک رقیب بین‌المللی برای امپریالیسم آمریکا به یک خطر تبدیل میگشت. دخالت رژیم شاه در جنبش انقلابی خلق کردی کردستان عراق، موجب آن گشت که در روستاهای مزدور و نظیر قیاده موقت با تکیه بر رژیم شاه در واقع به عمل می‌آورد. سیاست این رژیم تبدیل شود در مقابل رژیم عراق نیز با تخصیص امکانات به مخالفین رژیم شاه (اعم از انقلابی و ضد انقلابی) و پیرویه مخالفین مذهبی (طرفداران خمینی)، تا سبوتاژ لیست (جبهه ملی) و ضد انقلابیونی نظیر تیمسار بختیار از هر مکانی برای تحت فشار گذاردن رژیم شاه خود داری نمیکرد.

بایک سازش رسمی در سال ۱۹۷۵ و به قیمت قطع حمایت از مخالفین رژیم متعادل، و انعقاد قراردادهای مرزی، مصالحه آشکار و در رژیم‌های ایران و عراق متوقف گشت. اما تلاشهای سیاسی و نظامی در تقویت بنیه خویش از طریق وابستگی هر چه بیشتر از سوی رژیم دنبال گردید. به انعقاد قرارداد ۱۹۷۵، رژیم شاه خود را آنچنان قوی تصور میکرد که به راحت ما موربت خویش را در حفظ ثبات منطقه تا اقیانوس هند و منطقه مویوم به شاخ آفریقا بسط

میداد.

روابط گرم اقتصادی و نظامی رژیم شاه با سایر رژیمهای دست نشانده امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکا بی در منطقه خلیج فارس و خاور میانه، بخصوص بعد از تثبیت قدرت رژیم شاه و به افزایش میگذارد از سلطان قابوس در عمان گرفته تا ملک حسین در اردن، حکومت‌های متحد دی خود را بنوعی در اتحاد با این نوکران با مشترکشان قرار میدادند. در مقابل عراق با بسط مناسبات خود با یمن دمکراتیک، لیبی و سوریه قطب مخالفی را از کشورهای تحت حمایت و نفوذ شوروی تشکیل میداد که کشورهایی چون کویت و بحرین در این میان راه می‌گرفتند. به طرفی از کهنه‌ناشی از استقلال آنها، بلکه ناشی از نقش سیاسی خاص آنها در تعدیل سیاستهای افراطی عراق و سوریه و لیبی بود نقشی که از سوی امپریالیسم به عهده این رژیم‌های وابسته گذارده شده بود.

سرنگونی رژیم شاه به مفهوم از میان رفتن پایگاه اصلی امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در منطقه خلیج فارس بود. رژیم یعنی کهنه‌نشی همانند اسرائیل در خاور میانه و رژیم افراطی جنوبی در این قاره را ایفا مینمود. واضح است که سقوط رژیم شاه به معنای از میان رفتن این پایگاه و در نتیجه بهم خوردن نظم و تعادل موجود در منطقه و نظراً بر امپریالیسم آمریکا بود. از دست دادن این موقعیت ممتاز، امپریالیسم را به احیای آن از طریق مداخله در تحولات ایران و نیز اتخاذ تدابیر جدید در منطقه مجبور ساخت.

سرنگونی رژیم شاه با دو تحول مهم دیگر در منطقه هم زمان گردید. چرخش سیاست رژیم عراق نسبت به شوروی در جهت دور شدن از آن، و سرور و افزون مداخله مستقیم شوروی در امور داخلی افغانستان در جهت حمایت از جناحهای حکومتی وابسته به خود، چرخش سیاست رژیم عراق که از مدتی قبل آغاز شده بود با روی کار آمدن صدام حسین و قبضه شدن قدرت حاکمه در دست وی، روبه سرعت گذارد. هفته نامه آمریکا بی "نیوزویک" ۶ اکتبر در بررسی سیاست یکساره اخیر رژیم صدام حسین، بالحن تحسین آمیزی مینویسد:

"او (صدام) سیاستهای عربستان سعودی، در بالا نگاه داشتن تولید و ماشین نگاه داشتن قیمت‌ها را پشتیبانی کرده است و پشتیبانی خود از افراطیون فلسطینی را تعدیل نموده و شورشیان اریتره را در جنگ علیه دولت تحت حمایت شوروی در اتیوپی

## ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

## رزمندگان



مساعدت نموده است. هفته گذشته تلاشهای حسین (صدام) هنگامیکه اولین سند رسمی خود را به عربستان انجام داد چهره سران گشت.

همین نشریه در بررسی مناسبات رژیم عدام حسین با کشورهای عربی که عراق به آنها وابسته است میافزاید: "در ۱۹۷۲، اتحاد شوروی ۹۵٪ تجهیزات نظامی عراق و تقریباً تمام واردات غیرنظامی آن را تأمین میکرد. امروز تنها ۷۰ درصد اسلحه عراق از روسیه میآید و مسکوبه موقعیت چهاردهم در لیست شرکای تجارت عادی نزدیک کرده است یعنی با فاطورهای از کشورهای نظیر ژاپن، آلمان غربی، فرانسه، یونان و ایتالیا، ایتالیا با فروش میلیاردها دلار گشتی، های جنگی و تجهیزات دریایی موافقت کرده است و فرانسه ملی کویت و بمب افکنهای شکاری میزبان هم چنین دورا اکتور اتمی که میخواهند عراق را در ساختن یک بمب اتمی کمک کنند، تأمین مینماید."

روابط دولت عراق با امپریالیسم آمریکا نیز اگرچه دیرتر از امپریالیستهای اروپایی رونق یافته است و هنوز به سطح روابط دیپلماتیک هم نرسیده است. اما از لحاظ کیفی سرعت روبه گری گزیده است. دولت آمریکا به شرکتهای متعددی اجازه بازگشتی با عراق را داده است و این شرکتهای اکنون در زمینه اکتشاف نفت، تجهیزات هواپیما، موشک و غیره حتی دولت آمریکا اجازه فروش موشک و گاههای جنگی که توسط ایتالیا برای عراق ساخته میشوند را در کرده است که اکنون به علت تظاهرات آمریکا به بی طرفی، فروش این موشورها به تعویق افتاده است. یک نمونه از سرمایه گذارهای آمریکا، مجتمع پتروشیمی بوده است که مشترکاً توسط یک شرکت آلمانی و یک شرکت آمریکایی بر اساس یک قرارداد دیک میلیار دلاری ساخته میشود.

گرایش روزافزون رژیم عراق به اروپای غربی و آمریکا بخصوص در یکساله اخیر طبعاً شکست دیگری در "راه رشد غیر سرمایه داری" یا راه وابسته کردن کشورهای عقب مانده به شوروی بوده است. این شکست بیش از حد بدترین تجربه های مشابه (مصر، سودان، سومالی) بنوبه خود شوروی را در اتخاذ شیوه های جدید جهت

تحقق اهداف خود در این کشورها وادار نموده است.

مداخله نظامی شوروی در افغانستان به عنوان یک روش جدید شوروی در قبضه خراتی که حکومت و بخصوص جناحهای وابسته به شوروی و منافع آن را در کشورهای "راه رشد غیر سرمایه داری" را تهدید میکرد یعنی مداخله نظامی و سرکوب مقاومت توده های هم امپریالیسم آمریکا را لحاظ توسعه طلبی شوروی بوحشت می انداخت و هم حکومتها سی چون عراق را که با هیات حاکمه ای

امپریالیستهای آمریکایی و متحدین آن برای ارتجاع منطقه رژیم "ساداتسی" در عراق میباشد. اینست یکی از ریشه های اتحاد نامقدس امپریالیسم، ارتجاع حاکم بسیر منطقه و رژیم عراق.

نه تنها آینده ایران بلکه امروز آنهم (حاکمیت جمهوری اسلامی و سیر فزاینده مبارزه طبقاتی در جامعه) برای این اتحاد نامقدس دردناک است. منافع آنی ارتجاع منطقه و امپریالیستهای حامی آنها از "صورت انقلاب اسلامی" در خطر افتاده و مجال

● گرایش روزافزون رژیم عراق به اروپای غربی و آمریکا بخصوص در یکساله اخیر طبعاً شکست دیگری در "راه رشد غیر سرمایه داری" یا راه وابسته کردن کشورهای عقب مانده به شوروی بوده است. این شکست بیش از حد بدترین تجربه های مشابه (مصر، سودان، سومالی) بنوبه خود شوروی را در اتخاذ شیوه های جدید جهت تحقق اهداف خود در این کشورها وادار نموده است.

استفاده در از مدت از خیرات فدا کمونیستی آن برای امپریالیستهای نمیشد. این مبارزه است خارجی "جمهوری اسلامی" که در واقع با زتاب سیاست داخلی آن (فدیت) با بورژوازی انحصاری در عین خدمت به انقلاب) است در چشم انداز رشد مبارزه طبقاتی در جامعه با آن نزدیکی نمیداشت. هم چنانکه در طول حکومت ۲۰ ماهه جمهوری اسلامی رشد مبارزه ضد امپریالیستی توده ها ادامه یافته و ترکیب طبقاتی حکومت بسود خرده بورژوازی حاکم تغییر می یافت.

پس از اشغال سفارت و بخصوص پس از آزمایش راه حل های مختلف جهت دگرگونی در حاکمیت و سیر تحول جامعه در ایران، کسب از تلاشهای مسالمت آمیز در تقویت جناحهای بورژوازی لیبرالی حکومت تا طرح کودتای نوژن در دربر میگرفت، امپریالیسم آمریکا زمینه را برای فروختن جنگ خاص شده ای را بر علیه ایران تدارک دید. این تدارک در محله



در عین حال آینده ایران مورد توجه شدید سوسیال امپریالیسم شوروی نیز قرار دارد. شوروی سعی میکند با حمایت از خرده بورژوازی حاکم و با کمک نیروهای داخلی وابسته خود تا شند "جذب توده" ایران را به آنچه خود را "رشد غیر سرمایه داری" می نامد و در واقع چیزی جز سرمایه داری دولتی وابسته به شوروی نیست بکشاند.

نظیر هدام حسین، سرنوشتی نظیر دودخان و حیف الله امین را میتوانست در انتظار داشته باشد. این وضعیت تلاش رژیم عراق را در پیدا نمودن متحدینی در میان رژیمهای منطقه و جلب حمایت بین المللی تسریع میکرد. همین وضعیت فعالیتهای امپریالیسم آمریکا در عاده نظم از دست رفته در منطقه را دو چندان مینماید.

در این میان آینده ایران نقش محوری در تعیین سرنوشت منطقه داشته است. در صورت بروز انقلابی مجدد در ایران، وزوی کار آمدن حکومتی انقلابی که برای همیشه ایران را از دایره اقتصاد و سیاسی نظامی امپریالیسم آمریکا رها سازد، منافع موجود امپریالیستها در ایران و در منطقه خلیج، بلحاظ رشد جنبشهای انقلابی بخطر مرگ افتاده و چاره ای جز دخالت مستقیم نظامی امپریالیستها که خود ملاحظاتی فراوانی را بدنبال دارد متصور نمیشد. و نیز در صورت پیدا شدن تحولی در رژیم سیاسی ایران که تجربه دیگری را در "راه رشد غیر سرمایه داری" (ویا در واقع راه رشد سرمایه داری دولتی) وابسته به شوروی را به پیما بد، خطری که درنگ آن از افغانستان در گوش امپریالیسم آمریکا و متحدینش و ارتجاع حاکم بر منطقه و از جمله رژیم عراق طنین انداز شده بود در سایر منطقه را دربر میگرفت. پس مبارزه برای آینده ایران یک مبارزه حیاتی برای

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

مره" ایضا حساب شده، اقتصادی، دراستقبال نوکران امپریالیسم آمریکا از ادعای ارضی عراق در مورد رود کارون و شبه جزیره، افزایش تولید نفت عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس، در اعطای وام و انعقاد قراردادهای نظامی و غیر نظامی امپریالیست ها با عراق، گرد آوردن نیروهای ضد انقلاب مغلوب ایران در مرزهای ایران و عراق و بالاخره در سازیرشدن ناوگانهای امپریالیست های مختلف به منطقه خلیج فارس، مشهود بوده است.

ملک حبیب به پشتیبانی از رژیم عراق به تحت اشغال بودن قسمتی از "میهن عربی" (خوزستان) اشاره میکنند و مکانات خود را در اختیار این رژیم میگذارند، شیخ نشین های خلیج فارس از خطر حاکمیت جمهوری اسلامی بر شبه جزیره فتنه گر مردم میزنند و از دخالت های رژیم حاکم ایران در امور داخلی آنها (صدور انقلاب اسلامی) شکار می کنند، فرانسه و آمریکا، بفروش مستقیم و غیر مستقیم اسلحه و انعقاد قراردادهای اقتصادی با عراق میپردازند و چند لشکر از ارتشیان فراری به فرماندهی امثال پالیزبان و اوپبی در شیخ نشینها و بخصوص در عراق تدارک دیدند، میشود بحرین و عمان با یگان نظامی در اختیار آمریکا گذارده و ناوگانهای آمریکا در این نقاط مستقر میشوند، هم اکنون امپریالیسم آمریکا در ناو هواپیما و پهلوهای جنگی دیگر را در منطقه مستقر کرده است، هم چنین نیروهای دریایی فرانسه و آلمان درهم آهنگی با امپریالیسم آمریکا به نیروهای نظامی آنها میپیوندند.

امپریالیسم آمریکا که کارگردان اصلی تدارک این جنگ است، از یک جنگ محدود میان عراق و ایران پشتیبانی میکند، جنگی که بتواند هر دو کشور را برای جبران خسارات وارده از طریق وام و مثال هم هر چه بیشتر به دایره های از جهانی سرمایه داری بازگرداند و هر گونه مانعی (بخصوص در مورد ایران و حاکمیت خرده بورژوازی آن) را از سر این راه بردارد.

محدودیتی که جنگ را تا مرز بقای هیات حاکمه عراق که چرخش در "راه رشد غیر سرمایه داری" را امتحان میکند و تا رسیدن به مقصود تقویت و روی کار آوردن حکومت بورژوازی در ایران، بیشتر ادا نمیدهد.

\* - بر طبق اخبار خبرگزاری های خارجی ضد انقلابیون مستقر در عراق و کشورهای منطقه نیرویی قریب به ۵۰۰۰ نفر را آماده ورود به صحنه جنگ بر علیه ایران مینمایند.

بیشروی سربخ عراق در خاک ایران و شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی نمیتوانست هم رژیم عراق را در همسویی با این سیاست امپریالیسم آمریکا و حمایت مستقیم ارتجاع منطقه پیروز کرده و آن را به ادا مداخلات همسویی و بالاخره و خدنا منمون، ترغیب کند و هم تمام سرافکنندگی شکست را متوجه خرده بورژوازی حاکم نماید که ارگانهای بورژوازی دچار اختلال کرده بودند و این سرافکنندگی در زمینه زدننا و نابود کردن امپریالیسم در میان توده ها شرایط را برای نقطه نمودن "رژیم خمینی، رژیم آخوندها" فراهم نکرده بود، شرایطی که از آن سیاست بورژوازی حاکم و یا ضد انقلاب مغلوب مستقلاً و با توانا نمیتوانستند بهره برداری کنند.

در روزهای اول جنگ رادیوهای امپریالیستی با آب و تاب از پیشروی ارتش عراق و پیروزیهای آن خبر میدادند و مخصوصاً رادیو آمریکا برایین مطلب تاکید میکرد که عراق به بیش از ۴۰ کیلومتر حاشیه مرزی ایران نظر ندارد و تازه بعد از مذاکره و آتش بس از این حدهم پس از بدست آوردن امتیازات، عقب خواهد نشست، رژیم عراق نیز ادعا مینمود که عراق به وجبی از خاک ایران چشم داشت ندارد و تنها برای اعتاده مطالبات مرزی و خلاص نمودن مردم ایران از "رژیم خمینی" وارد عمل شده است، و ضد انقلابیونی چون بختیار اعلام میکردند که تجاوز عراق مسئله ای نیست و بر مردم ایران باید "رژیم خمینی" را برنگون ساختند و بعداً مسئله را با عراق حل خواهند نمود، ازندگان مختلف این آرکسترهای خود را برای خواستن یک آهنگ کوچک میکردند.

اگر آمریکا منافع خود را از جنبه های مختلف در وقوع یک "جنگ محدود" جستجو میکرد، رقیب بین المللی آن یعنی شوروی که برای جلوگیری از به اجرا درآوردن این سیاست امپریالیسم آمریکا را نداشت، کوشیده است تا سیر جنگ را به نفع مظلوم خود تغییر دهد، عدم موفقیت رژیم عراق در تحقق اهداف خود که لاجرم به سقوط آن منتهی نگذاشته، این به جایگزینی جناحی متمایل به شوروی بین آنها مد، بازگشت این رژیم حاکم بر عراق را به دایره نفوذ شوروی تا مین میکند، و نیز اگر تا شهادت این جنگ در تحولات سیاسی در ایران برخلاف خواست امپریالیسم آمریکا در تقویت بورژوازی در حکومت ایران باشد، آنگاه زمینه توسعه نفوذ شوروی در ایران نیز مهیا تر میگردد، موضعگیری "حزب توده" که در واقع اجرای سیاستهای ایرانی اتحاد شوروی است، نشان دهنده واقعیت اهداف شوروی است، "حزب

توده" تحت عنوان دفاع از جمهوری اسلامی جنگ را تا بیرون راندن ارتش رژیم عراق و نیابتی دیگر شکست اهداف هیات حاکمه عراق توصیه مینماید، همچنین "حزب کمونیست عراق" که از قماش "حزب توده" است، موضعی مشابه را اختیار کرده است، نیابتی دیگر سیاستی که از سوی شوروی عملاً به اجرا در میآید، حاکی از تلاش آن در بازگرداندن رژیم عراق و جلب رژیم ایران به راه رشد سرمایه داری دولتی و یا بسته شوروی است، آمریکا و شوروی هر دو در پی بهره برداری از جنگ و پیشبرد سیاستهای خویش در قبال ایران و عراق هستند، و از این نظر بدون آنکه تمام رشته های خود را با یک طرف جنگ (شوروی یا عراق) و (آمریکا یا ایران) پاره کنند، عملاً نیروهای وابسته و یا متاخر از خویش را در پشتیبانی از یک طرف بحرکت در آورده اند، این سیاست اکنون تحت لوای بیطرفی رسمی ادا می نمایند، اما در خلال پیشنهاد آمریکا به ایران در مورد تامین لوازم بدکی به بهای آزادی گروگانها و هدا ربه "افراط کاریهای" عراق و هم چنین در خلال اجرای تعهدات پیش بینینی شده در قرارداد دولتی شوروی و عراق مشهود است، و این حفظ حداقل رابطه و مناسبات با یک طرف و در عین اتحاد سیاست عملی بر علیه همان طرف دنبال میشود.

صف بندی معینی که برای این جنگ ایران و عراق صورت گرفته است، مبین بازتاب بین المللی آنست، اردن، عربستان، کویت، عمان و شیخ نشینهای خلیج فارس به حمایت فعال (اقتصادی، سیاسی و نظامی) از رژیم عراق پرداخته اند و در مقابل لیبی سوریه الجزایر و جمهوری دیموکراتیک کنگو فنانسب ایران را گرفته اند، این صف بندی اگر چه متاثر از سیاستهای آمریکا و شوروی است، اما الزاماً بمفهوم نفی موضعگیری مستقل گروه دوم یعنی پشتیبانان ایران نیست.

"جنگ محدود" ای که مورد نظر امپریالیسم آمریکا بود، امروز به چند علت به یک جنگ فرسایشی تبدیل شده است، اولاً: بخاطر مقاومت شدید در مناطقی مورد نظر در اشغال عراق، ثانیاً: پشتیبانی وسیع توده های مردم از دفع تجاوز رژیم عراق که علی رغم ناراضی های موجود نسبت به جمهوری اسلامی و مشقات جنگ ادا می نمایند، ثالثاً: پتانسیل انقلابی بالای توده های ارتشی که در اثر توهم آنها نسبت به هیات حاکمه باعث مقاومت شدید آنها میگشت.





طولانی شدن جنگ باعث آن شده است که خورده بورژوازی حاکم بتدریج بزواضع جامعه مسلط شود و از رشد سریع و محبوبیت و اختیارات بورژوازی و ارگان یکپارچه آن ارتش بکاهد. هم چنین طولانی شدن جنگ به نقش توده ها در شکست تجا و اهمیت روزا - فزونی میبخشد و لذا تسلیح و تشکل توده ها را اجتنابنا پذیر مینماید و بالاخره طولانی شدن جنگ و ناکامی رژیم عراق در کسب پیروزی مؤثر، حیات این رژیم را مورد مغایره قرار داده و لذا خطر روی کار آمدن جناح های دیگری در حکومت عراق که سبب دیگری را سوای منافع امپریالیسم آمریکا تعقیب کنند بیشتر شده است.

دلسوزی نسبت به ایران، تمجید از ارتش و تدارک قوای مشترک امپریالیستی در منطقه و اخیراً اظهارات مقامات آمریکایی درباره "عدم تحمل نقض تمامیت طریقی ایران" "خبر از یک توطئه جدید امپریالیستی در خلیج فارس میدهد. توطئه ای که میتواند تحت عنوان وضعیت اسفندکار ایران به دخالت مستقیم امپریالیستها در حفظ حداقل منافع خود در صورت نقض تمامیت طریقی ایران "بیان بخشد و حتی الامکان ارتش ایران را (البته فرماندهی آن را) به همکاری در این برنامه بکشد. بنابراین دیگر امپریالیسم آمریکا بهره برنده از وضعیتی شود که خود بوجود آورده است. اگر چه نقش تدارک چنین توطئه ای خواهد

کردن رژیم عراق است. تنها توده های شدن جنگ که این فقط در طرف ایرانی جنگ، بخاطر حملات دفاعی آن، میسر است میتواند هم خصوصیت طولانی شدن جنگ را جوابگو باشد و هم از قبول شرایط امپریالیسم در کاهش فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی سر باز زند. بورژوازی حاکم و ارتش تحت نفوذ آن که جنگ کوتاه را بنفع موقعیت سیاسی خود یافته اند اکنون از توده ای شدن و طولانی شدن جنگ بشدت در هراسند. و متحد خویش در حکومت (خورده بورژوازی حاکم) را برای قبول راه حل آمریکا که از نظر تشکل کار در قالب آزادی گروگانها در آزادی و آزاد فاشیاری و اجازه خرید لوازم جنگی و اسلحه تجلی میکند تحت فشار میگذارند.

بورژوازی در حکومت قریباً میزند: "بنظر ما کسانی که خواهان ادامه جنگ فرسایشی کردن آن، پس از شکست نیروهای نظامی عراق هستند قبل از آنکه به بعد از جنگ شوجه داشته باشند ادامه آسرا در اوضاع و احوال داخلی مورد توجه قرار میدهند. اینان معتقدند در صورتی که عراق بایک شکست غیوری و کوتاه مدت رو برو شود ما جنگ را خاتمه بدیم حالت کمیت سیاسی موجود در داخل ایران (یعنی موقعیت تقویت شده بورژوازی و ارتش - رومندگان) قوام و دوام بیشتری خواهد یافت. از این رو با بدجنگ را در هر شکلی ادامه داد. در این صورت جنگ از وضعیت و فرماندهی فعلی آن خارج شده و مسئله تشکل و بسیج توده ها در مقابل خطر داخلی جنگ مطرح میشود که این بسیج توده ای به کنترل آنها در خواهد آمد. و از این طریق میتوانند موضع رئیس جمهور را تضعیف نمایند.

(۱) انقلاب اسلامی (۲۲ مهر تکیه از ما است) البته منظور از این کسانی که خواهان ادامه جنگ و... هستند "خورده بورژوازی حاکم، همان متحد بورژوازی در حکومت است. همین گمان هستند که بورژوازی میکوشد آنها را به "بعد از جنگ" جنگ "توجه دهد و در واقع به قبول "فرو ریات و واقعیات" ناشی از سیاستهای امپریالیستها بنماید. بورژوازی میکشد که جناح غالب حکومت خود از توده ای و طولانی شدن جنگ علی رغم ادعای استقبال از آن وحشت دارد. زیرا جنگ توده ای و طولانی مستلزم آن رهبری سازماندهی و برنامه ریزی مهمتر مستلزم بقیه صفحه ۱۱

تنها توده ای شدن جنگ که این نیز فقط در طرف ایرانی جنگ، بخاطر حملات دفاعی آن، میسر است میتواند هم خصوصیت طولانی شدن جنگ را جوابگو باشد و هم از قبول شرایط امپریالیسم در کاهش فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی سر باز زند.

یک حربه سیاسی در تحمیل سیاست های مورد نظر آمریکا در حال حاضر است. اما بعنوان آن یک خطر بالقوه میباشد در محاسبات تحولات جنگ در نظر گرفته شود. شکست امپریالیسم آمریکا در سیاست جنگ محدود "هنوز بمعنای پایان سیاست های متنوع آن در خاتمه جنگ بتفع خود نمی باشد. تدارک دخالت مستقیم به بهانه حفظ منافع جهان غرب قبل از آنکه کاربرد عملی پیدا کنند میتواند از لحاظ سیاسی بعنوان یک عامل فشار برای تحمیل سیاستهای آمریکا بکار رود. عراق برای ادامه تجا و خود به حمایت اقتصادی، سیاسی و نظامی مستقیم و غیر مستقیم آمریکا بخصوص از طریق اردن، عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس متکی است و لذا بدون ادامه پشتیبانی این مرتجعین قادر به ادامه جنگ برای مدت طولانی نخواهد بود. حکومت ایران نیز که در این جنگ بر ارتش متکمی است نمیتواند بدون تامین تجهیزات لازم، ماشین نظامی خود را بکار اندازد و علاوه بر این برای بکار انداختن این ارتش را در مقابل جبهه سوم که تمرکز نیروهای امپریالیستی تهدیدی درگشودن آن نسبت را ندارد. این ناتوانی حکومتی طرفین جنگ زمینه مساعدی برای امپریالیسم آمریکا در تحمیل شرایط خویش و کسب امتیاز و عقب نشاندن رژیم ایران و آرام

سیر تحولات جنگ و تاثیرات آن در ایران و عراق که برخلاف اهداف و تصورات اولیه امپریالیسم آمریکا بوده است هم نشان دهنده شکست سیاستهای آن است و هم هشدار دهنده اقدامات جدیدی از سوی آن. ساده انگاری خواهد بود اگر تصور شود امپریالیسم آمریکا با وضعیتی بدتر از قبل از جنگ به بتایبج طبیعی این جنگ تن در دهد و هم فاشد سقوط رژیم عراق و هم شاهد بقای جمهوری اسلامی و رشد مبارزه طبقاتی جامعه و اینها را بمراتب تب خطرناک تر از سابق باشد. بلندگوهای امپریالیستی نظیر رادیو آلمان، انگلستان، آمریکا، اسرائیل و امثالهم اخیراً تلویحاً به تمجید و دلسوزی نسبت به ایران و البته به بورژوازی و ارگانهای آن بخصوص ارتش مشغولند. گویی این "بی طرفان" که "جویای حقیقتند" بطریق قضاوت متعانه را کشف کرده اند! ما واقعیت آنست که در زیر سایه این تمجید و دلسوزی امپریالیستها تدارک سازمان دادن یک نیروی جدید امپریالیستی در منطقه را مشغولند. طرح تدارک ناوگان مشترک کشورهای ناو و ناوین، تسلیح عربستان سعودی به هواپیماهای آواکس نشانه های چنین تدارکی است. تدارکی که بدنبال خود تقویت ناوگان شوروی و پرواز هواپیماهای مشابیه آواکس در منطقه را بتوبه خود بدنبال داشته است.

# نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



## جنگ و حيله‌هاى سرمایه‌داران!

### الف- ایران ترانسفو

از مدتی قبل که شورای انقلاب با تصویب ۴۴ ساعت کار در هفته، یورش جدیدی را بر علیه کارگران آغاز نموده بود، مدیریت کارخانه ایران ترانسفو برای به اجبار آوردن این قانون ضدکارگری، دست به حيله‌هاى فراوانی زد، اما به هیچ وجه موفق نشد، البته یکی از دلایل شکست او در اجرای این قانون، وجود یک قرارداد دسته جمعی بود، که بین مدیریت کارخانه و سندیکای کارگران در سال ۱۳۵۷ بسته شده و مطابق آن کارگران تعهد کرده بودند که با افزایش تولید، هفته‌ای چهل ساعت کار نکنند، اما میزان تولید را با اندازه ۴۵ ساعت کار در هفته تحویل دهند، با چنین حيله‌ای بود که کارفرما گرچه بظاهراً ۴۵ ساعت کار در هفته موافقت کرده بود، اما در عمل کارگران را به اندازه ۴۵ ساعت کار در هفته استملا می‌کرد. با اینحال، از آنجا که سرمایه‌داران از مکیدن خون کارگران هرگز سیراب نمی‌شود، مدیریت این کارخانه هم پس از اطلاع از قانون ضدکارگری ۴۴ ساعت کار در هفته، باز هم دیک طمعش به جوش آمده و حيله جدیدی را برای استملا بیشتر کارگران آغاز کرد. البته توطئه‌هاى او تا مدت‌ها با هوشیاری کارگران خنثی می‌شد، تا اینکه سرانجام، جنگ همچون فرشته تجاتی به یاری سرمایه‌داران آمد، آنها در خیلی از کارخانه‌ها و از جمله در این کارخانه، با سوء استفاده از احداث پلک کارگران، که با شنیدن اخبار وحشتناک جنگ و کسب اطلاع از اوضاع جنگ، نیکارانه تجار و فاشیست‌های عراقی به دستاوردهای انقلاب و خانه و کاشانه زحمتکشان ما شدیداً متاثر شده و آمادۀ هر نوع جانبازی هستند، موقع را مناسب تشخیص داده و یورش جدیدی را برای استملا بیشتر کارگران تدارک دیده‌اند.

از اولین روزهای گسترش ناگهانی جنگ، مدیریت شروع به اعلام بی‌درپی این خبر کرد که از روز پنج‌شنبه ۴۸ دقیقه به ساعات کار روزانه اضافه شده و با بستی در هفته ۴۴ ساعت کار کرد، با اعلام این خبرها، نجات‌یابان کارگران شدت گرفت و موجی از اعتراض بهیختگی، شورای کارکنان مورد فشار افکار عمومی قرار گرفت و سرانجام اعلام کرد که کارگران روز دوم مهر در مجمع عمومی

### به دلیل کارشکنی‌های مدیریت،

## شورای کارکنان کارخانه البرز استعفا کرد!

خانه کارگران این کارخانه، در گذشته آشنا هستند، با قسمتهایی از نامه‌ها، نامه کارگران را که با تاریخ ۳۱ شهریور منتشر شده است در اینجا می‌آوریم:

اخیراً نامه‌ای بدست ما رسیده است که در آن اعضای شورای کارکنان کارخانه البرز با ذکر دلایلی، استعفاى خود را در مقام نيل کارگران اعلام کرده‌اند. با توجه به اینکه خوانندگان ما، با عبارات قهرمانانه

"خواهران و برادران ۱۰۰۰ مضرباً" کنندگان زبر با توجه به حقایق و وقایعی که در کارخانه وجود دارد، بیش از این صلاح ندیدند که با شما کارگران و کارکنان مطرح نکنند زیرا آگاهی دادن از وضع کارخانه را یکی از وظایف اصلی شورای دانشمندان و علمای گناهی بزرگ میدانند.

ما پس از بررسی‌های زیاد، بر آن شدیم که به شما بگوئیم انجام وظیفه آنهم مخلصانه در کنار مدیریت فعلی کارخانه امری است به تنهایی مشکل، بلکه محال است. ما هرگز بر آن نیستیم که شورای کارخانه با یک صورت عناصری از عروسکهای نیمه شب بازی باشند که در هیچ یک از امور کارخانه نقشی نداشته و فقط آرایش بخش دل کارگران که شورای کارخانه وجود دارد و بوسه برای این بگذارد آنچه که در کارخانه انجام می‌گیرند می‌گیرد.

هرگز بدان معتقد نیستیم که مسائل سیاسی نظیر خرید و فروش، تولید، توزیع، استخدام، اخذ ایش مزد، اجزای همه و همه از امور هستند که غیر از چند نفر مدیران هیچکس کوچکترین مشارکت را در آن نباید داشته باشد. هرگز با ورنه داریم که اداره کارخانه هنوز با یک شکل با تدبیری و درگیری بین مدیران بر سر منافع و با یک صورت پشت پرده وزیر میزی انجام گیرد، جالب آنکه با همه کارشکنیها و عدم همکاریهای مدیران اخیراً پیشنهاد همکاری نیز به شورای کارکنان می‌دهند که از نظر ما با توجه به عملکرد گذشته به هیچ وجه ما دقانه تلقی نمی‌شود. اینها همه موقعی انسان را بیش از ترجیح میدهد که با مانی تیز در موزی مانند صابون و غریب و فروش و غیره پیدا میشود که دود را کلبه‌ها

بلند می‌کردند. مثلاً یک دفعه مطلع میشوی که مثلاً ۳۰۰۰ تومان در حساب‌های آنهم بصورت معجزه‌آسا و با ورق المعاده به اصطلاح گم می‌شود.

و با مثلاً مطلع میشوی که ناگهان پنج تن از کارگران را در زور و شکنجه اطلاع شورای کارخانه و حتی خود کارگران اخراج کرده و نام آنرا هم می‌گذارند بسیار کساری در صورتیکه عوامل اختناق و سرکوب در رژیم گذشته هنوز در کارخانه هستند و مانند گذشته نقش و اندام را بازی می‌کنند.

حتی مقامی که اخیراً زوارت صنایع و معادن تشریف آورده اند هیچ یک از مشکلات این کارخانه را به تنهایی حل نکرده‌اند بلکه حتی نتوانسته‌اند که تشخیص نیربده‌اند. این اتفاق می‌کند که مشکل اصلی چند چار و جدول کشیدن و سلسله مراتب را بیان کردن بسیار دشوار و تشکیل کمیته‌های طبقه بندی مشاغل، گویا نمیدانند در زمانی که مدیران کارخانه را مدت یک هفته ترک کردند و بدون سلسله مراتب و چار و چار حتی بسیار بسیار جان و دل چطور کار را انجام می‌گرفتند.

ولی این شوراهای چنین وضعی راضی نیست زیرا که در مقابل خدا و مردم خود را مسئول دانسته و قاعدتاً در انجام وظیفه مخلصانه نمی‌بایند و دست خود را استعفا می‌دهند و بدیهتر آن دید که ما دقانه با شما در میان گذاشته تا خود را به اصلی بهتر و مناسبتر بیا بید و در ضمن خواهان آنیم که جلسات مجمع عمومی که قبلاً برگزار می‌شد هر چه زودتر تجدید گردد تا حقایق را هر چه بهتر با شما در میان بگذاریم.



خارج از کشور (بختیار، اویسی، بالیزبان و...) عواملی را نیز که از داخل زمینه ساز قدرت گیری آنها هستند و میگویند تا کارگران و زحمتکشان را از ادامه انقلاب منصرف کنند، محکوم نمودند.

آنگاه موضوع اعلامیه های متعدد مدیریت کارخانه در رابطه با ازدیاد ساعات کار مطرح شد و کارگران با استناد به قرار داد سال ۵۷ که عملاً به تشدید فعالیت های تولیدی، بویا لایردن، ضربه استعمار کارگران، میزان ۴۵ ساعت کار تولیدی را در مدت ۴۰ ساعت تعیین میکند، اعلام کردند که کارگران این کارخانه، حتی خیلی زودتر از بقیه کارخانه ها میزان کارشان خود را یکساعت هم بیشتر از این قانون غذاکاری رده و در نتیجه اقدامات مدیریت برای باز هم بالا بردن شدت استعمار، عملی و حشیانه و غذاکاری است. کارگران همچنین در خواست کردند که دستمزد آن یکساعت کار اضافه، بطور جداگانه به کارگران پرداخت شود. آنها علاوه بر این اعلام کردند که نیم ساعت وقت ناها را که طبق قانون باید جزو ساعات کار محاسبه شود، تاکنون اجرا نشده و خواستار اجرای آن و در نتیجه تعطیل کارخانه به مدت نیم ساعت زودتر از موعد معمول شدند. با ذکر این دلایل، مسلم است که صحبت از اضافه کردن ساعات کار، حرف احمقانه و غیر قابل مذاکره ای خواهد بود.

کارگران با ابراز احساسات فیراوان این نظرات را تائید کرده و شوراً رسماً اعلام نمود که از تاریخ ۵ مهر، در همان ساعت قبلی کار را تعطیل میکنیم و اعلامیه مدیریت است غیر قابل اجرا است. در حالیکه نماینده مدیریت کارخانه میگوید: «با توجه به اعلامیه مجلس شورای اسلامی و وزارت کار» مزخرفات مدیریت را تکرار کنند، کارگران با هوجبنا ل جلسه را ترک کردند.

روز شنبه ۵ مهر ماه، کارگران یکپارچه و متحد، رأس ساعت همیشگی کار را تعطیل کرده و سوار بر سرویس ها کارخانه را ترک کردند.

فردای آنروز، مدیریت دوباره اعلام کرد که با پیدای ساعات کار ۴۸ دقیقه اضافه شود و به سرویس ها دستور داد که با توجه به ساعات کار جدید حرکت کنند. اما کارگران اعلام کردند که اگر پیاپی ده باره این کار برویم، ساعت کار را اضافه نخواهیم کرد!

روزهای یکشنبه و دوشنبه هم، با وجود تمام توطئه ها و تهدیدهای مدیریت و کارگران با اتکال به نیروی لایزال و متحد خود، کمترین توجهی به فشارهای کارفرما ننکرده و در ساعت مقرر کار را تعطیل کردند. روز سه شنبه، مدیریت به حیلۀ جدیدی متوسل شد، او اعلام کرد که «بخاطر وضعیت بحرانی ناشی از جنگ» از امروز به مدت یک هفته ساعت کار روزی یک ساعت کمتر میشود!!

این مسلم بود که کارفرما میخواهد با کم کردن ساعات کار آنهم به مدت یک هفته، کارگران را بقول معروف ابتدا نمک گیر کرده (۱) و پس از آن که «مزه» شرابست/ جنگی را چشیدند آنگاه حرف واقعی اش را که همان اضافه کردن ساعات کار است، به جمیل کند!

در نظام سرمایه داری، کارگران همواره غریزه طبقاتی خود را بخوبی یکبار میگیرند و توطئه های سرمایه داران را از صد فرسنگی حس میکنند!

کارفرمای که تا دیروز «بخاطر وضعیت بحرانی ناشی از جنگ» از کارگران تقاضای اضافه کار میکرد، امروز با همان بهانه میخواهد ساعات کار را کم کند!

شورای بلافاصله تشکیل جلسه داد و این اطلاعیه را یک «توطئه و حقه بازی» ارزیابی کرد و برای تسمخر کارفرما هم که شده اعلام نمود که بعلمت حملات هوایی در جنوب کشور، اکنون به تعداد زیادی ترانس احتیاج است و در ضمن از آنجا که ساعات تعطیل کارخانه چندان هم دیر نیست و کارگران بکارهایشان میروند، لذا کم کردن ساعات کار ضروری نمیشود!!

به این ترتیب، حیلۀ جدید کارفرما با زهم به اتکال هوشمندی و اتحاد کارگران خنثی شد.



ب- شوکومارس

روز سه شنبه ۱۵ مهر، در حالیکه در کارخانه شوکومارس همه چیز مثل همیشه جریان داشت

و کارگران مشغول بکار بودند و از جنبه صحبت میکرده و در ضمن به وادیو گوش میدادند، ناگهان خبر رسید که شورای کارگران دعوت کرده است که همگی در ناها رخصوری اجتماع کنند. کارگران دست از کار کشیدند و دستجمعی به ناها رخصوری رفتند. در اینجا مدیر عامل کارخانه خود را آماده کرده بود که برای کارگران صحبت کند. مضمون این سخنرانی، در حقیقت مجموعه حرف های بی است که این روزها در خیلی از کارخانه ها شنیده میشود، سرمایه داران، با شروع جنگ و با سوء استفاده از اخبار ناراحت کننده ای که از جبهه های جنگ می رسد و خبر از قتل و غارت زحمتکشان بوسیله متجاوزین ضد خلقی حکومت عراق دارد، موقع بسیار مناسبی یافته اند، تا اهداف کثیف و ضد کارگری خود را تحقق بخشند و با هر کلکسی که هست خون بیشتری از کارگران بکشند!

جناب الواسانی، مدیر کل کارخانه شوکومارس هم جزو همین افراد است و در چنان روزی، سخنرانی اش را برای کارگران با همین هدف شروع میکنند. از آنجا که این نوع سخنرانی ها در این روزها شایع تر و فراوانی به هم دارند و حیلۀ های پلید مشابیه در آنها نهفته است، ما خلاصه ای از صحبت های او را برای شما میآوریم!

درباره ملی کردن کارخانه و نیز سرمایه داران دادن وضع کارگران، خدا میداند که چقدر ما زحمت کشیدیم و در سرها دیدیم! اما نکته، تا راحت کننده این است که بعضی از افراد می آیند و اعلامیه پخش میکنند و در آن چیزهایی مینویسند تا بین کارگران تفرقه بیاندازند. مثلاً اعلامیه ای مینویسند به این عنوان که با اتحاد کارگران، نتوانستند اعضای هیئت مدیره و شورای اخراج کنند! خیر آقایان! ما خودمان شما را بیرون نکردیم ما خودمان از این کار جلوگیری کردیم! نباید که با اتحاد کارگران!

(همانطور که از متن سخنرانی معلوم است، گویا در کارخانه اعلامیه ای در تشریف کارگران به اتحاد و نتایج مثبت این اتحاد پخش شده است، ولی جناب الواسانی که مثل تمام کارفرماهای دنیا، از اتحاد کارگران وحشت دارد، ادعا میکند که گویا نویسندگان این اعلامیه ها میخواهند بین کارگران تفرقه (۱) بیاندازند! پس

پیش بسوی اتحاد حزب طبقه کارگر!



## آوارگان جنگ، تکفیر می شوند!

آوارگان جنگ را تا شب ذکر کرده و می گفتند آنها با کدام اسلحه میخوانند با میک های عراقی و موشکهای زمین به زمین - بچکنند!؟ نه تنها آنها، بلکه تمام مردم ایران آماده جنگ هستند. ولی بدون سلاح و سرمان را در دروازه ها نخواهیم کرد! آری! آتشید مردم خایر نقاط به ترک شهرهای جنگ زده از سوی مردم آن شهرها و اعمال ضد مردم می پاسداران، فالانژها و عده ای مردم فریب خورده، زمینه دیگری است برای آگاهی هر چه بیشتر کارگران و رزمندگان ما از آوازه هیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

جنگ محبت کرد و بعد از گفتن چند کلمه را جمع به جنگ چنین ادامه داد: "ای بنا مردهای خوزستانی! چرا به اینجا آمدید برگردید و بجنگید!!" و ماکه عصبانی شده بودیم بالا و دعوا کردیم و گفتیم آیا تو اینجا مرد جوان میبینی؟! از کجا میدانی مردهای ما در جبهه نباشند! اگر راست میگوئی و شهادت داری خود دست برو به جبهه و بجنگ! خلاصه او را با فحش و کتک از سالن بیرون کریم! مردم شهر با شنیدن این حرفها شدیداً عمل پاسداران و فالانژها را رد میکردند و حرفهای

به شیراز میزدند، ۲ یا ۳ پسر - شان در لب مرز مشغول جنگیدن هستند. یک پسر ۱۸ ساله در این بین بین میگفت "۴ برادر من لب مرز هستند و خود من هم اسلحه ای داشتم که به بهانه کمونیست بودن آن را از من گرفتند و مسرا روانه شیراز کردند!" زنی میگفت بعد از چند روزی که از آبادان به اینجا آمدم بهما گفتند فلان روزها - عت ۳ بعد از ظهر سخنرانی است، همگی بیایید ما هم زن و بچه و پیر و جوان بلند شده و به یک سالن رفتیم بعد از چند دقیقه یک آخوند مدبری برای ما راجع به

روز چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۵۷ - ختمان خوابگاه دانشجویی دختران در خیابان شیر قاضی - شیراز صدای داد و فریاد به گوش میرسد. این خوابگاه در حال حاضر - در محل زندگی آوارگان جنگی و کسانی است که از آبادان - نقل مکان کرده اند. ما چرا از این قماربازان عده ای از پاسداران به همراه چند فالانژ به درب خوابگاه میروند و شروع به فحاشی و توهین به این آوارگان میکنند و آنها را بزدل و ترسو و فراری خطاب میکنند. اما عمل این ضد مردمان با خشم بسیار مردم ساختمان و تمام شهر - بیرون مردم شهر میدیدند که اکثر سکنه ساختمان زن و بچه هستند و آنها هم که شوهران و پدران

صبح در تاریکی به کارخانه میباشیم و شب هنگام تاریکی کارخانه را ترک کنیم. ما نا سلامتی زندگی و خانواده هم داریم! این حرفها زدن ساده است و شما براحتی حرفش را میزنید، ولی ما نمیتوانیم اینجا مثل دهم! اصلاً بما چه! لواسانی بهما لحنی که ملافت و تهدید هر دو را در خود داشت جواب داد: خب خانم! شما نمیتوانید هر کس میتواند بپاید! در این موقع جلسه کا ملا شلوغ شد و کارگران، ناراحت و خشمگین از جای خود بلند شدند تا اعتراض خود را بگوش دیگران برسانند. هر کس بنوعی مشکل خود را برای آمدن و رفتن مطرح میکرد. کارگران زن نما بیده خود را دور کرده بودند و از او میخواستند که از حشمان دفاع کند. اما او میگفت شما بروید خودتان حرفتان را بزنید. من قبلاً هر چه که گفته ام قبول نکرده اند!

در این موقع لواسانی که با اعتراض کارگران تمام سخنرانی عوام فریبانه اش نقش بر آب شده بود، چاره ای تدبیر جز اینکه پرده های ریاکاری را بردارد و حرف واقعی اش را بزند! و خشمگین فریاد زد که: بنایید بیا بید هر کس تنها بدست مملکت است! این چه وضعی است! حتی حاضر نیستند با طر مملکت و شرکتتان یک کمی بخود زحمت بدهید! شما با بدبختی کار کنید! شما دلستان بحال مملکت نسوخته! از فردا صبح همه با بد بیا بید!

در این موقع خشم کارگران به اوج خود رسید و در حالیکه فریادهای اعتراض به آسمان بلند شده بود، کارگران جلسه را ترک کردند.

این روزها در کارخانه غوغایی برپا است! همه در باره سخنرانی لواسانی صحبت میکنند و هیچ کس حرفهای ضد کارگری و مردم و غیر داری های ریاکارانه او را قبول ندارد!

میروند. فکر موقعیت شرکت را بکنید! در خیال حاضر ما تولیدمان به زور به روزی ۱۱۷ هزار تومان میرسد. ما تولیدمان پانزده تومن و لی در عوض حقوق شما بالا رفته است!! صبحانه شما روزی پانزده هزار تومان - آن میشود! روزی ۱۸ هزار تومان پول نوشابه میدهم! شما ببینید چقدر ما جس خریده ایم و پشت مرز مانده است! اگر کارگران قدیمی میدانند که دانه کا کا شو قدر برای این شرکت ضروری است! این ما برای آنها پول داده ایم. ولی در عوض تولید نداریم! شما حساب کنید چقدر از طرف دولت برای رسیدگی به وضع شرکت میایند. مزد آنها مبلغی معادل ماهی ۵۰ هزار تومان است! جناب کارفرما! پس از آنکه به کثیف ترین و زدنانه ترین شکلی، پول صبحانه و نوشابه را به رخ کارگران میکشید و بنا ذکر اقام درشت کوشش میکنید کارگران را مرعوب کرده و فریب دهنده، سرانجام پس از این همه روزه خوانی ها حرف حسابش را بر زبان میاورد و میگوید: "... ما و هیئت مدیره نتستیم با هم تصمیم گرفتیم حالا که در شرایط جنگ قرار داریم وضع شرکت هم روزه و خام است، از شما بخواهیم که گذشت و فداکاری کنید و خواهش ما را بپذیرید و بیا فید با طری به بود وضع کارخانه و بالا رفتن تولید، روزی یک ساعت ونیم بیشتر کار کنید. نیم ساعت صبح و یک ساعت بعد از ظهر!

بعد از پایان سخنرانی، بلافاصله غرغودا دوباره کارگران شروع شد. زنی از قسمت زیر زمین بلند شد و فریاد کرد: آقای لواسانی! ما کارگران نمیتوانیم

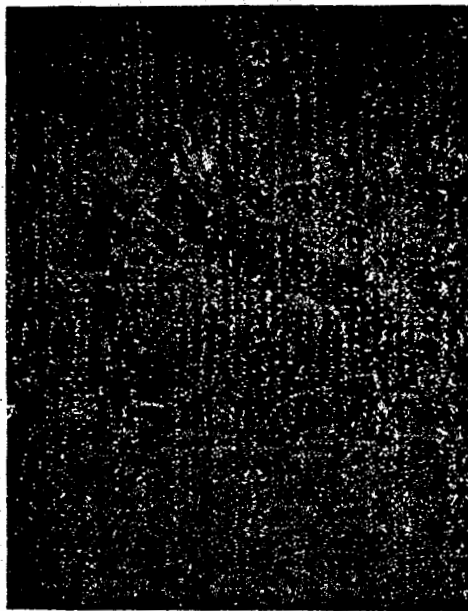
وقاحت بیشتر از این هم میشود؟! ما خود این افراد را میشناسیم و اگر دست از این کارهایشان برندارند، ما از پشت همین تریبون آنها را با کارگران معرفی خواهیم کرد! اما دفعه اول به آنها نصیحت میکردیم، ولی حالا دیگر آنها را اخراج خواهیم کرد!

جناب کارفرما! پس از اینکه به این ترتیب کارگران آگاه و انقلابی را مورد حمله قرار داده و تهدید به اخراج میکند، آنگاه به سراغ بقیه کارگران رفته و از "تنبلی" و "کم کاری" کارگران مینالد! و پس از مدتی مقدمه چینی میگوید: "... خلاصه کلام، کارگران کم کاری میکنند و نا اراحتی من از کم کاری و بی کاری کارگران است!

در این موقع کارگران که از این حرف خشمگین شده اند، شروع به اعتراض زیر لبی میکنند و عده ای از آنها غرغورکنان میگویند: کجا بیکاریم! بخدا دستمون داره از درد میافتد! ما جناب کارفرما بی اعتنا به این حرفها صحبت هایش را ادامه میدهد: "بیا شنید این جور آدم ها را معرفی کنید! اگر کم کاری دیدید گزارش کنید! الان اگر من هم کم کاری کردم گزارش کنید! الان موقعیت جنگی است، موقعیت استثنایی است. همه باید دست به دست هم بدهیم و به گفته رهبران تولید را بالا ببریم! دشمن از بی کاری ما سوء استفاده میکند! ما در حقیقت داریم زیر بمب و مسلسل تولید میکنیم. خانها، آقایان! اگر تولید شرکت در شش ماه اول سال از روزی ۱۳۵ هزار تومن کمتر باشد، شرکت روزه و ورشوگی

## گزارش به ... بقیمارصفحه ۱

هکلاتری ۳ نرسیده بودم که متوجه ...  
رافیک غیرعادی شدم. همه روبه میسدان  
رکت میکردند. از چند نفر پرسیدم: چه شده؟  
بیچکن بدرستی نمیدانست. یکی از بچه‌ها  
سوار موتور بود و دزد، حسین، حسین ...  
اصوبه پیریدم سوار موتورنا صرخیلی مریغ  
بررا داد: یک هلیکوپتر با سه سرشنیسن  
ودوالفقاری خوردن به سیم برق هر سه  
امزدن بعضی‌ها میگویند غرافی هازدن ...  
لان از خواب بلند شدی؟ من: آره، ناصر.  
قتی دیدم دیر کردی داشتم میومدم درخود  
ه‌تون که بگم بساط نیاری! پرسیدم حالا  
چرا! بنقدرترافیک شده؟ ناصر: پاسدارها  
آهنگ بسنن، جاده با شگاه ایران هم  
سته شده جلوی در سبها هرفتم یه دوری برنم.  
کی از پاسدارها داشت بروصدا می‌کود که چرا  
بنقدرت شلوغش کردین، مردم وحشت کردن!...  
به محل حادثه که رسیدیم شلوغ بود. چهاره  
مردم را اضطراب گرفته بود... چندین هفته  
برخوردهای پراکنده و شلیک‌دهوایی هـا  
بویا حالا دیگر جدی شده بود و مردم همه اینترا  
یفهمیدند اما بروز نمیدادند. با نا صبر  
رگشتم که یه دوری توی شهر بزنیم. امیر  
سرعت در شهر پیچیده بود شهر مملو از گران،  
به چشمتا خود آگاه به طرف پالایشگاه میر  
تبعجای بوی شرعی و ماهی که همیشه توی  
بادان زبرد ماغ آدمهاست توی هوا بوی  
نا روت و جنگ پراکنده شده بود.  
توی شهر صدای شلیک تیربار و خمپاره  
بیومد. دیم توخیا بونر شاهپور (سابق)  
به بریم بساط. راه رو بسته بودن. طرفای  
با زارهای فروشا همه داشتن دکه هـا  
بساط هاشونو جمع میکردن. این طرفا همه  
نا رگرای بیکار نبودن که به بساط شربت و  
پای و سیگار! مورا نشون میگذاشت حالا در بدر  
شدن، پاسدارها با داد و بیداد مردم را  
با دار به جمع کردن. بساطها می‌کردن. یکبار  
زمین زیر پای مون لرزید همه دراز کشیدیم:  
زنها جیغ میزدن. به امیک روسی بود که  
اومد این دشت آب زده ما ختمون دادا گستری  
و بیجید و رفت. پاسدارها چندتا تیر خالسی  
کردن که همین دادمردم را در آورد: که این  
چه وضعیه؟ پس کوتهیزات ما؟ صدای خشن  
و پر خشمی پاسخ داد: تجهیزات ما تـو  
کردستانه ... پاسدارها به ارتش فحش  
میدادند. مردم بیدفاع و وحشت زده بودند.  
از شب دیگه راستی راستی جنگ شروع شد.  
آبادان همیشه شلوغ، آبادان حرکت، آبادان  
دان سرشازان و فریاد، خاموشی خاموش  
بود. ننه و بچه‌ها سر پشت بوم خواب بودن. نم  
دفاع کندها ما فانه راه افتادیم طرف سیده.



توی هوا پیچیده بود. یه چیزی مث خلبان  
افتاده بود یه جویم. میدونستم باید یه گای  
بکنیم. مخم داغ شده بود. یواش از پشت بام  
اومدم پائین. نمیشد تا فردا ظهر موقع  
قرار منتظر موند. از طرفی باید رفیق مسئول  
را هم هر طوری شده پیدا کنیم ...  
شب با بچه‌ها حرف زدیم نتیجه گیری  
بحث مون این شد: این جنگ ادامه پیدا  
میکند. جنگی است که امیریا لیم و عزرائق  
به همراه ضدا انقلاب مغلوب بر علیه میا رزات  
توده‌ها برآه انداخته اند و مقامات ملادر  
حقیقت دفاع از بارزات، توده‌هاست که در  
این مقامات باید. بحث حاکمه ضد خلقی را هم  
افشا کنیم. و قرار شد با برقراری ارتباط  
فعلی حول خبر گیری کار بکنیم ...  
صبح کارون رازده بود، ناچار سوز  
هفت رشت تا خونه را نا بود کرده بودند.  
جنازه مردم زیر آوارها همه را به گریه  
زاده شده بود. مردم تمیذا نشنیده کنده  
یکبار دیگر میگ روسی توی آسمان دور زده  
ما ختمنا لریزید و یکبار ده دوسرا برآبادان  
را قرار گرفت بی آنکه کسی سؤال کند  
همه میدانستند که پالایشگاه است. از آنسوی  
مردم لرزید. همه میبوت بودند. به در آوردن  
جنازه‌ها ادا ما دادیم. هربچه ای که از زیر  
آوار بیرون میا و ردیم ضجه ماد ران بیدت  
فاج آسمان را میلرزاند. همه میگفتند آخه  
چطور این میا دمیکشه و میره ... مکه ما را در  
نداریم ... توی کارون بودیم که بـ  
خمپاره تانک فارم را هم زدند. آبادان  
ان در آنروز لرزید از شعله سزیه آسمان کشیده  
پالایشگاه و وحشت بر میخواست. مردم بـ  
دستها بشان مینگر بستند که خالی بود و بـ  
آسمان که جایگاه هوازمیگهای روسی (پیر)  
مردی میگفت: حیوان هم میتونه از خود  
دفاع کندها ما فانه راه افتادیم طرف سیده.

کارگران افغانی اسباب و اثاثیه اشان را  
برداشته بودند و میرفتند به تعدادن و بچه  
عرب هم توی خیابون سرگردان بودند.  
ازشون سؤال کردم مال کجائید؟ گفتند:  
مال پادگان خبروآباد. پرسیدم: کمکسی  
بهتون نکردن؟ ... یکی از زنها گفت:  
خودشون فقط میگویند خالی کن ... اینها او  
لین دسته مردم بیدفاع بودن که به جـ  
ملح کردنشان آنها را تشویق به ترک محل  
میکردند. آنها خانه و کاشانه اشان به غلوله  
بسته شده بود و آواره شده بودند آنها هیچ چیز  
برای دفاع از خود نداشتند و به علاوه نظا می‌ها  
هم میخواستند نواحی مرزی را خالی کنند.  
اما اینها کجا بروند؟ چه بکنند؟ ... هیچ  
فقط بقول زایره "میگویند خالی کن". اظـ  
نشده بود که خبر رزید خرمشهر را زده اند. تمام  
خونه‌های مسکونی مردم را در ب و داغون کر  
ده اند ... کوی طالقانی، مولوی، کمسـ  
مردم توی خونه‌ها مرده بودند. تاشب توی  
آبادان ولوله بود. اما با زار هـونزا ر بود.  
همه حول جنگ حرف میزدند. صفای نشان و  
بنزین تشکیل شده بود شورای پالایشگاه  
اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ کـ  
سندیکای پروژهای و ... مردم همه با روحیه  
جنگی بودند اما بی‌تفاقی و از طرفی بی  
اعتمادی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی  
به آنها فشار وارد میکرد. جنگ چهره  
نشان داده بود. دود آسمان آبادان را بـ  
شانه بود و راکت و خنجر ره خانه هـای  
مردم را روی سرشان خراب میکرد. با بچه‌ها  
سنگ پرتی را شروع کردیم. علاوه بر سنگ  
سرجاده‌ها و کوچها خندق هم می‌کنندیم. بـ  
کمک مردم محل! ارتجاع وحشت کرده بـ  
سرعت اطلاعاتی تونی از رادیو شروع شد.  
پشت سرم مردم را از ضدا انقلاب داخل  
میترا شدند و میگفتند: دا رو گوئی را بـ  
مسجد بدهید به ضدا انقلابی هاندهید ... ما  
مردم دیگر توجهی به این حرفها نداشتند.  
جنگ شدت میگرفت. احمدآباد، هوا رده شده،  
کارون را مردم خالی کرده بودند. عراقیها  
خانه‌های مسکونی را هدف گرفته بودند. مر  
دمی که هیچ منفعتی در وقوع این جنسـ  
نداشتند و به علاوه خود را در معرض خطرنا بـ  
دی میدیدند با کمترین امکانات از شهر  
خارج میشدند. کمیته‌های ها و خانواده‌های  
پاسداران از امکانات بهتری برخوردار بـ  
دند. رژیم نه تنها قصد جلوگیری از خارج  
شدن مردم را نداشت بلکه راضی هم بود چرا  
که اگر مردم بمانند با ید مسلح شوند کـ  
هیئت حاکمه ضد خلقی از مسلح شدن مردم  
بیشتر از امیریا لیم وحشت دارد ... شهر  
خالی میشد.

بچه‌ها برای هماهنگی در کارها لزوم زدن یک چادر را حس می‌کردند. چادر کمیته مقاومت "برپا شد" از همان زدن چادر از او آذیتها شروع شد. اول از انجمن اسلام می مسجد بزرگان آمدند و اخطار کردند. بعد خود پادشاهان دوسه مرتبه آمدند و تهدید کردند که چادر را بردارید. تا اینکه یکروز ۳۰ ۴۰ تاجا پادشاه ریختند توی محوطه اول بچه مقاومت کردند مردمی هم که جمع شده بودند دفاع می‌کردند پادشاه اول شلیک هوایی می‌کردند بچه‌ها ایستادند بعد مینسی جلوه‌ای بچه‌ها شلیک کردند. و چند نفرشان حمله کردند چادر را تمام و سایل جمع کردند و بردند. دوتا از بچه‌ها را هم دستگیر کردند. را به یوگسلاوی اسلامی شروع به سمپاشی کرد. هادی غفاری وارد آبادان شد و قیاحانه شروع به دادن شعار مرگ بر کمونیست از راه بی‌کورد. پادشاه با شعار مرگ بر منافقین راه افتادند توی شهر. قسمتی از خرمشهر را عراق تسخیر کرد. آنها تصمیم داشتند که بیایند و ارد کردن این فشارها کمونیستها را از شهر خارج کنند. اما بچه‌ها با قدرت و روحیه‌ای رزمنده به مقابله برخاسته بودند. چادر را که برداشتن بچه‌ها بدون چادر به درون سنگرها رفتند. کمیته مقاومت محلات تشکیل شده بود. قیافه‌های مهم دانش آموزان ۱۵ - ۱۶ ساله تا کارگران کمونیست همه و همه نشان میداد که چگونه رفقای ما با اراده‌ای استوار و قوی مقابل با هر گونه تجاوزی به حقوق خلق زاده‌اند چه از جانب متجاوزین و چه از جانب هیئت حاکمه ضد خلقی. کمیته‌های مقاومت با تمام امکانات کم خود همچنان به کمک مردم می‌جنگیدند با تمام فشار پادشاهان رفقا با رفتن به بیمارستانها به کمک مجروحین می‌جنگیدند. با جمع کردن گونی‌های و باختن سنگریز در محلات کمیته‌ها آموزش درخندنها می‌کردند. در محلات کمیته‌ها آموزش همگانی صبح را برقرار می‌کردند. با تمام هادی و هوئی هادی غفاری از رادیو برعلیه کمونیستها و با تمام فشار پادشاهان و دستگیر کردن رفقای که برای کمک به مردم به نقاط جنگ زده می‌رفتند، مردم محلات در ورزش صبح شرکت می‌کردند و خوشی بر سر سفره غذای جمعی بچه‌ها هم می‌نشستند آنها به این جوانان پر شور و سرخست، بچه نیروهای که عاشقانه برای آنها رخصت می‌کشیدند اعتماد پیدا کرده بودند. رفقای دخترها محله را جمع می‌کردند و کارهای پزشکی و امدادی را به آنها یاد میدادند. طی دوسه روز دستگیری هاشد پیدا کرده بود. کمونیستها را در خیابان صید می‌کردند. چند تا از بچه‌ها را توی بیمارستان دستگیر کردند. یک رفیق هوا دار را حاضری کشید

زده بودند این دانش آموزان ۱۵ ساله وقتی در باره دستگیری خود حرف می‌زد در هر کلامش عشق به خلق، عشق به منافع توده‌ها، موج می‌زد. دستهای کوچکش را با بغرت مشت می‌کرد. و نقاط جراحت دیده‌اش را با خشم به سایر رفقا نشان میداد. چندتا از بچه‌ها را توی جنگ خرمشهر پای سنگر دستگیر کردند. با تمام این اوصاف بچه‌ها هنوز هم مصمانه با عزم راسخ و با روحیه ای جنگنده در شهر حضور دارند. آنها با خلق پیمان بسته‌اند که با دشمنان خلق در هر لباسی مبارزه کنند. و اینکه در کمیته‌های مقاومت این حرف به شکل سنگر به شکل خندق به شکل ورزش و... خود را نشان می‌دهند. در محلات آبادان زندگی جمعی شده است. غذا، ورزش، کار و همه امور زندگی را بچه‌ها با همدیگر انجام می‌دهند. آبادان در خشم فرورفته. رژیم وقتی دیده‌های

غفاری به آبادان فرستادن، اشری ندارد. اخیرا تعدادی قداشیان امام به آبادان ما در کرده‌اند! که گاه آن‌ها رفتن به سنگرها و با آرمی جی ۱ و کلاشینکف... تهدید کردن ما است. که اینهم تاکنون هیچ اشری نداشته. آبادان خود را از دو طرف مورد تهاجم می‌بیند. از یکطرف هجوم قداشیان امام به کانونهای مقاومت فرزندان و از طرف دیگر نیروهای متجاوز عراق که خاکش را با خمپاره و راکت و مینک های روسی مورد هجوم قرار می‌دهند. آبادان خشمگین است. خشم فرزندان راستش در خندقها خانه کرده است و لحظه طفیان چیزی شمانده است. هر صبح آبادان سرزمین سوگند است. در هر گام دویدن همه ما به جنوب و به منافع خلق های ایران سوگند می‌خوریم که به رژیم تا آخرین قطره خونمان بر علیه دشمنان خلق

## بقیه از صفحه ۲ زمینه‌های وقوع

آن خموصیت انقلابی در بسیج حداکثر نیرو و تکیه به آنهاست که این خرده بورژوازی مطلقا قیادت نیست. ولذا این مدعیان که برای مهار بورژوازی و ارتش دم از جنگ توده‌ای و طولانی می‌زنند ولی در واقع به نیروهای منظم ارتش و سپاه پادشاهان تکیه میکنند از تری نتایج چنین قماربازی که نتیجه‌ای جز قدرت توده‌ای و رشد نیروهای انقلابی و ایستار عمل آنها نخواهد داشت. هیچگاه به آن متوسل نخواهند شد. فشار ناشی از جنگ و تهدیدهای امپریالیزم آمریکا و امکانات بین المللی آن در ترغیب و یا بازداشتن حکومت عراق گزافا به جنگ برای بورژوازی حاکم در ایران. این فرصت را بوجود آورده است که شجاع تراز ما بق برای حفظ موقعیت تازه خویش در حکومت خرده بورژوازی حاکم را با تهدید و ارباب بازی اعتنایی به "بعد خارجی جنگ" بیرون آورد. و به همراه این کار وارد عرصه داخلی هم کمی عقب تر بنشانند و به لطف خلعت ضد انقلابی مشترکشان او را از نظر بهره توده‌ای و طولانی کردن جنگ بازدارند و واقع بینانه تر برای نجات جمهوری اسلامی به چاره اندیشی مشترک بنشانند. امپریالیزم آمریکا از میان آتش و دود و گلوله مؤدبانانه دستور جلسه را پیشنها می‌کند: آزادی گروگانها در ازای آزادی ذخایر ارضی، فروش لوازم یدکی در مقابل شرایط معینی جهت حل مسئله جنگ، امثالهم و... اینست آخرین راه حلی که امپریالیزم آمریکا پیش از کار برد عملی تهدیدات نظامی خود در مدنظر دارد. تعیین اینکه تا چه اندازه راه حل فوق

موفق گردد بدون تشخیص یک عامل دیگر غیر ممکن است. نقش توده‌ها در دفاع از استقلال و انقلاب خویش، در جنگ دفاعی بر علیه تجاوز عراق و حاکمان منطقه‌ای و بین المللی آن. اینست آن عاملی که علی رغم تلاشهای مذمومانه بورژوازی و روزمره برجسته تر گشته و از تائید ما نیاز جبهه تا جنگ تن به تن در همه عرصه‌ها جلوه‌گر میشود. نقشی که حتی خرده بورژوازی حاکم این مدعی طرفداری از توده‌ها را با وجود انداخته است. زیرا نه قادر به سازماندهی و هدایت و راهای زوجات مبارزه جویان است. آنهاست و نه قادر به تحمیل رشود و گسترش نیروهای انقلابی در این بستر عظیم است. و این همان عاملی است که انقلابیون برای پیشبرد جنگ و خشنوایی توطئه بورژوازی و تهدیدات امپریالیزم آمریکا تکیه میکنند. از نظر انقلابیون عامل اصلی در تکیست چنین توطئه‌هایی، توده‌های مردم هستند. شکل و تسلیح توده‌ها و افزایش نفوذ و اعتبار انقلابیون در جهت تائید رهبری مبارزه توده‌ها نشانها من نیروزی است. بیداری چنین شرایطی امروز با شرکت فعال کمونیستها در جنبش جنگ بر علیه تجاوز عراق، جهت طرح و پیشبرد یک شکل و تسلیح توده‌ها و نشان دادن مدافعت و لیاقت کمونیستها در تجربه خود توده‌ها و نیز افشای ماهیت ضد انقلابی جناحهای مختلف حکومتی. از کمال جنگ است. تا تکیه کمونیستها از روز میا نیست هر چه گسترده تر و توده‌ای تر نمودن دفاع انقلابی توده‌ها از استقلال و استقلال خویش و نشان دادن غرور آزادی فعالیت نیروهای انقلابی و افشای رژیم از کمال جنگ باشد. تا تحقق چنین شرایطی است که امکان مقاومت توده‌ای در مقابل هر گونه تجاوز جنگ تجاوزکارانه رژیم عراق به ابعاد وسیعترین المللی و هم امکان گسترش مبارزه طبقاتی در شرایط بعد از جنگ بوجود می‌آید.





## آوارگل جنگ، قربانی هردو حکومت!

جنگ، با تمام چهره، کریه خود، و با تمام مصایب و بیشمارش، همچون آواری بر روی زحمتکشان فروریخته است. در مناطق اشغالی و نیز مناطق جنگ زده، هزاران نفر از هم میهنان زحمتکش ما، در اثر هجوم و بمباران جنگنده های ارتش عراق، خانه و کاشانه خود را از دست داده و در موارد متعددی، دار و دارشان بوسیله متجاوزین غارت شده است. در مناطق غرب و جنوب کشور هزاران نفر پس از آنکه بی سلاح و بی دفاع، یا رای مقاومت خود را در مقابل دشمن از دست دادند، چاره ای جز ترک دیار نیافته و اینک در شهرهای دیگر آواره و سرگردان شده اند. این آوارگان که عزای از دست دادن زنان، جوانان و فرزندان، کمرشان را شکسته است، با ویرانیهای گسترده و باستانی خالی و اندوهی بیگانه، به شهرهای دیگر عزیمت کرده و در بر دوسر گردان شده اند.

در این میان، رفتار خشونت آمیز عمال رژیم جمهوری اسلامی با این آوارگان جنگ زده، مصیبت هایشان را چند برابر کرده است. عمال حکومت که برای حفظ حاکمیت خود از پیشروی ارتش عراق وحشت دارند، در عین حال میکوشند تا آنجا که ممکن است، خطرات احتمالی قدرت گرفتن توده ها را نیز در این جنگ خشن کنند و به همین دلیل است که در خیلی از موارد، از صلح کردن توده ها در مقابل متجاوزین خودداری کرده اند. این امر، زمانی که با تبلیغات وسیع حکومت مبنی بر آنکه همه جانبه نیروهای مسلح دولتی، تمام شود، بطور طبیعی نقش نموده و در جنگ و حضور فعالشان را در صحنه کمرنگ کرده و آنان را به امید "دلوران حکومتی" به ناظری منتفع بدل میکند. بی شک باید به این معادله سیاست های حکومت را در این ۲۵ ماه گذشته هم اضافه کرد، که مضمون اصلی آن، کوشش برای عقب راندن توده ها از مواضعی بوده است که آنها جزا نباشد در دوران پر شکوه انقلاب بدست آورده بودند. رژیم خدا نقلی جمهوری اسلامی که به یمن حضور قهرمانانه توده ها در جنگ با ارتش شاهنشاهی و مزدوران رژیم قبلی، به حکومت رسید، در تمام طول حکومتش، با هر وسیله ای کوشیده است تا توده ها را به سر جاییشان بنشاند و آنها را از دخالت در امور بازدارد.

چنین است که اینک، آوارگان جنگ، از یک سو قربانی حملات و حشانه متجاوزین عراقی، و از سوی دیگر قربانی روش های ضد مردمی حکومت، چه قبل و چه در حال جنگ شده اند.

اما واکنش های نامردمی رژیم به همین جا ختم نمیشود! گردانندگان رژیم با تمام این کثافت کاری هایشان، وقتی قافیه را تنگ میبایند، ناگهان به یاد توده ها میافتند و در پیاهای رادیو تلویزیونی و مطابع های مکرر مطبوعاتی، از مردم مناطق جنگ زده میخواهند که بی سلاح و بی پناه، در میان شعله های آتش و دودی که متجاوزین عراقی بر پا کرده اند، مقاومت کرده و به نوشیدن شربت شهادت (!؟) اکتفا نکنند! آنها علاوه بر این با پخش نامه های ریز و درشت، از کارمندان و کارگران در مناطق جنگ زده میخواهند که به سرکارهایشان بازگردند و این در شرایطی است که کمترین اقدامی برای حفظ ایمنی آنها انجام نمیشود. اولی و قاحت این آقا یان هنوز هم ادا نمیدارد، آنها وقتی با انبوهی از آوارگان جنگ مواجه میشوند که دسته دسته، بی پناه و مصیبت زده به مناطق امن کوچ میکنند، ناگهان به این نتیجه میرسند که حتماً اینها همان ضد انقلاب معروف (!) هستند و با این کارشان قصد دارند تا سرزمین اسلام را تقدیم کفار کنند!!

به این ترتیب است که عمال رژیم، در مقابل این زحمتکشان آواره و فقیری رحمانه ای را در پیش گرفته و به تحقیر و توهین آنان میپردازند. دسته های وسیعی از آوارگان غرب کشور، اینک

در چنین وضعی به سر میبرند. عوامل حکومتی، بین مردم شایع کرده اند که این آوارگان آدم های خاکی هستند که از جبهه جنگ گریخته اند (!!). و تا سفاکیهای اینک گاهی، به راهی از مردم ناگاه هم میسر میکنند. آوارگان زحمتکش که کوله بار سنگینی از مصائب جنگ را بر پشت های ناتوان خود حمل میکنند، آنجا که به شهرهای امن میرسند و قصد پناهنده شدن به نیروهای "خودی" را دارند، ناگهان با چنان فضای سرد و تا مساعی روبرو میشوند که با ویرانگری سخت

## استاندار خوزستان از کارکنان اداری خواست تا هر چه زودتر خود را معرفی نمایند

|                                                                                                                                                                               |                                                                                                                                                           |                                                                                                |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------|
| امروز دیروز از آرامش نسبی برخوردار بود و اتفاق مهمی در سطح شهر روی نداشت. انبوهی از مسافری یکی پس از دیگری از نقاط مختلف کشور با طرقت کامل وارد این شهر شدند. اسطخاری خوزستان | اطلاعاتی از کلیه کارکنان اداری که در محلی و یا بدون برخی محل در خود را ترک کرده بودند حیات تا پایان مهرداد در محل کار خود حاضر شوند. حسن کارزنی حاکم صدام | مردم، صدای تلک توپخانه دورین مزدوران بهت که از صبح دیروز به سوی شهر آغاز شده بود شد یافته است. |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------|

است. یکی از مأمورین حکومتی در کرمانشاه به آوارگان میگوید شما به طمع گرفتن "پتو" شهر و دیار خود را رها کرده و به اینجا آمده اید! در برابر نیلوفر، به ساداران منطقه را محاصره کرده و از صحبت کردن مردم با آوارگان جلوگیری میکنند و استدلالشان اینست که اینها ضد انقلابی هستند و در شهرتایع میبایست بکشد! در "بوشهر"، با آوارگان شدت بد رفتاری شده است. در "مهران"، تحت تاثیر تبلیغات عمال حکومت در مساجد، آوارگان آنکشت نما شده اند و حتی در یکی از موارد، یک ناوای حزب اللهی و نا آگاه از فرورختن آنان به یکی از آوارگان خود داری کرده است. در شیراز، حدود یک هفته پس از آنکه آوارگان جنگ وارد این شهر شده و با استقبال و مهمان نوازی مردم شیراز روبرو شدند، اصحاب جمعه شهر در خطبه های نمازش اعلام میکنند که آوارگان در حقیقت ترسوها هستند که از جبهه جنگ گریخته اند! از همان روزی که صدای از مردم نا آگاه تحت رهبری پاسداران شروع به اذیت و آزار آنها میکنند و برای نمونه روز ۲۴ مهر خواجگاه دختران دانشجو در خیابان مشیر فاطمی شیراز که اینک ما وای آوارگان است، به صحنه درگیری بین حزب اللهی ها و مردم آواره تبدیل میشود. علت این درگیری این بود که عده ای از پاسداران به همراه چند لائز جلوی خواجگاه میایند و شروع به فحاشی میکنند و آوارگان بی پناه را بزدل، ترسو و ضد انقلاب مینامند. و این در حالی است که مردم خود را هدیه ندادند که ساکنین این محل اغلب زنان و بچه ها هستند. حتی یکی را خونریزی سخنرانی میکرده است شروع به فحاشی نسبت به آوارگان کرده و فریاد زده است: آئی ما مردهای خوزستانی چرا به اینجا آمده اید، برگردید و بجنگید! زهی وقاحت و بیشرمی!

ما روزهای درخشان انقلاب را مدت زمان کمی نیست که پشت سر گذاشته ایم. لحظه به لحظه پیشرفت انقلاب نشان داد که توده های زحمتکش میهن ما، در راه سرنگونی دشمن خود، قهرمانان و جانبازان بسیاری میکنند که توصیف آن از توان خارج است. هم اینک در جبهه های وسیع نبرد با متجاوزین عراقی، تمام اطلاعات نشان میدهد که مردم مقاومت توده ها، عامل تعیین کننده ای در جلوگیری از تجاوز فاشیست های عراقی است. اما حکومتی که درست به یمن همین جانبازی ها بر سر کار آمده و تاکنون بر سر کار مانده است، اینک گستاخ و وحشت زده، به هر جا جنگ میاندازد و با تحقیر توده ها، میکوشد تا حقانیت حکومت خود را به اثبات رساند.

بی شک کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران، جواب شایسته ای به این گستاخی ها خواهند داد!



دستگاه‌های جاسوسی و سرکوب خود، دوباره آمریکا را بر ایران مسلط  
نمایند. پس هیأت حاکمه تلاش می‌کند از هزاره‌ای که شده ابتدا توده‌ها  
را بفربرج...  
پاشادت هزاران تن و خانه‌های و سرگردان شدن مدها هزار تن  
از کارگر...  
ایران شده است، آری در چنین جنگی در وسط دعوا ترخ تعبیه  
نمایند و با گرفتن "توبه‌کنشی" از آمریکا یعنی اعلام عذرخواهی  
رسمی آمریکا این مانع ظاهری را از سر راه خود بردارد.  
امپریالیسم آمریکا هم بدش نمی‌آید با یک اعلامیه "عذرخواهی"  
یا به قول آقای رجایی "توبه" گروگان‌ها را از دست ایران خارج  
کرده و روابط سابق را احیا نماید. چه چیزی بهتر از این!

کاملاً بی‌بورد - از طرف ما خنثی  
آفتاب روشن است که اجرای  
این شرط بخت آسانی بود  
نفتها سادتر از سایر شرایط  
دهد است، بلکه می‌تواند  
بنوان یکقدم برای جلوگیری  
تجاوز در آینده مصوب خود  
و به اعتقاد ما یکی از مراحل  
توبه که نشانه تکامل متونی یک  
دولت می‌تواند باشد تلقی خواهد  
شد.

چون کار دیرتری در باره  
عذرخواهی دولت آمریکا از  
مردم ایران و امکان چشم‌پوشی  
از این درخواست سوال کرد،  
نخست وزیر در پاسخ گفت:  
گذاشت زمان و مطالبی که  
افراد مسئول در دولت آمریکا  
و بعضی از دولتهای دوست  
آمریکا گفته‌اند، بنظر ما این  
نظر را آشتان عمل کرده که  
دولت آمریکا فقط باید آزرایی

## توبه گرگ، مرگ است!

رجایی نخست وزیر جمهوری اسلامی در هفته گذشته به آمریکا  
رفت تا جلسه شورای امنیت سازمان ملل راجع به جنگ اخیر  
میان ایران و عراق سخن بگوید. در این سفر او با خبرنگاران خار  
جی روبرو شد و در پاسخ سوال یکی از آنها گفت اظهارات آمریکا  
بی‌ها در مورد عذرخواهی از ایران را به عنوان "یکی از مراحل توبه"  
به‌که نشانه بگا مل معنوی یک دولت می‌تواند باشد تلقی خواهد  
کرد.

امپریالیسم آمریکا مثل همه امپریا لیست‌ها همیشه داعیه  
حک به کشورهای و نجات خلقها از زیر بار رستم و ظلم و عقب ماندگی  
را داشته است. آنها همیشه اظهار تمایل دارند که برای کمک به مردم و وارد  
کشورهای مختلف شده اند و حتی وقتی به تاج و زوت توسعه طلبی و...  
دست سبزند فرا موش نمی‌کنند که با دروغ چهره کشید امپریا لیستی  
خود را از نظر رتوده‌ها مخفی نگاه دارند. همین امپریا لیسم  
آمریکا سالهای سال در حالیکه ویتنام شمالی را بمباران مینمود  
و در ویتنام جنوبی به جنگ تمام عیار روی علیه خلق قهرمان ویتنام  
دست زده بود، همیشه اعلام می‌کرد که از ترس بدبخت شدن خلق ویتنام  
و برای آزادی و سرفرازی آنها با ویتنام شمالی می‌جنگد. امپریا  
لیست‌ها دروغ می‌گویند و تلاش دارند سلطه خود را در جهان با دروغ و غیر  
بب و... استوار نمایند.

در مورد ایران نیز امپریا لیسم آمریکا همین سیاست را داشته  
و دارد. آنها گفتند در مورد اخلی ایران مذاخله نمی‌کنند ولی چه  
کس فرا موش کرده است؟ ماه قبل در طبین همین آمریکا بی‌ها قوای  
نظامی پنا ده کردند. چه کسی فرا موش کرده است همین ماه قبل  
کودتایی در ارتش را آمریکا شیان سازمان دادند. چه کسی فرا موش  
را ده است باند های بختیار، اوینی، پالیزبان را همین امپریا  
لیسم آمریکا تقویت میکند. و همین آمریکا پود که شاه جایت کس را  
را پنا ده داد و حاضر نشد از برای محاکمه و مجازات به خلق ایران  
تحویل دهد.

اعتماد به حرفهای امپریا لیست‌ها باز کردن راه برای امپریا  
لیست‌هاست. حکومت جمهوری اسلامی پس از جنگ میان ایران و عراق  
بنا به طبیعت ضد خلقی خود تلاش می‌کند حمایت امپریا لیست‌ها و بویژه  
امپریا لیسم آمریکا را به خود جلب کند. آنها چندین بار اعلام کرده  
ه اند که خواهان حل مسئله گروگان‌ها هستند. مانع را از سر  
راه بردارند. گروگان‌های آمریکایی، در واقع مانعی بر سر راه  
روابط ایران و آمریکا هستند. اما گروگان‌های آمریکا بی‌خودی  
خود برای آمریکا و همینطور ایران اهمیتی ندارند. گروگان‌های  
آمریکایی بیان این مسئله بوده اند که خلق ایران بر احتیاجی  
اجازه نخواهد داد دشمنان خلق دوباره امپریا لیسم آمریکا را بر سر  
جان و مال آنها حاکم کند. خلق ایران اجازه نخواهد داد تا غاشین  
و دشمنان خلق برای سرکوب راحت تر توده‌ها، برای راه انداختن

ما به یاد داریم که در رژیم جمهوری اسلامی با واکتی‌ها و زنی  
ل‌های کودتای با یک "توبه" طوراً زاده‌ند و به دسیسه و توطئه  
چینی بر علیه خلق ایران و نیروهای انقلابی پرداختند. امپریا  
لیسم آمریکا میداند که "توبه" چیز خوبی است "توبه" دروغی  
است که جمهوری اسلامی برای نجات دشمنان خلق ایران در دست  
کرده و چرا امپریا لیسم آمریکا نخواهد نوشتن یک "توبه" است تا به  
از آن استفاده کند؟ علی‌الخصوص آنکه اگر دولت آمریکا چنین  
کاری بکند از نظر آقای رجایی "یکی از مراحل توبه که نشانه تکامل  
معنوی یک دولت (یعنی امپریا لیسم آمریکا) تلقی خواهد شد".  
امپریا لیسم آمریکا گرگی است که تاکنون بارها و بارها  
اعلام کرده است رابطه اش را با خلقهای جهان "عادانه" خواهد نمود  
اما هر کس میداند امپریا لیست‌ها هر روز هزاران بار از آزادی و  
ستقلال خلقهای جهان حرف می‌زنند و منظورشان هم اینست که  
خلقهای جهان فقط وقتی آزاد می‌شوند که از نظر سیاسی و اقتصادی  
به امپریا لیسم وابسته بوده و تحت سلطه باشند. توبه امپریا لیسم  
آمریکا مرگ است نه نوشتن توبه بر روی کاغذ. او مبارزه برای مرگ  
امپریا لیسم آمریکا یعنی تداوم انقلاب یا پیروزی آن در حکومت  
جمهوری دمکراتیک خلق.

## هراس حکومت از سرود!

فرا حاضری می‌کند و بخشنامه‌ای  
را بدانش آموزان ابتدای  
امیگند مبنی بر اینکه دانش‌آمو  
زان حق خواندن "سرود انقلابی"  
و بخش "علامه‌های انقلابی"  
را ندارند و دانش‌آموزان تهدید  
بدیهه اخراج میشوند. مدبر  
مدرسه میگوید اگر دانش‌آموزان  
جه این کار را ادامه دهند مدرسه  
تعطیل خواهد شد.

دانش آموزان انقلابی مدرسه  
به "پویا" قائم شهر از تاریخ  
۲۵ مهر تا ۲۶ مهر با خواندن  
سرود "ای ایران" و با شعار "مرگ  
بر آمریکا" به کلاسها می‌روند  
میرفتند. اما روزیکشنبه ۲۶ مهر  
با اعتراض مدیران مدرسه  
مواجه میشوند. بعد از اینک  
دانش‌آموزان به کلاس می‌روند.  
رئیس مدرسه نمایندگان را بد

# مرگ بر امپریا لیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

## بک گزارش روستایی از کربال



### شورای مسلح روستائیان، تنها مانع بازگشت خانها!

زمین ها منطقه جعفر آباد کرمانشا ه توسط جها دسا زندگی ممانده شده بود و جها دب روستائیان قول داده بود که زمین ها بین روستائیان تقسیم گردد ، دهقانان بی زمین از این امر بسیار خوشحال بودند و عده ای از اهالی روستا که در کاخانه کار میکردند ، مسئله تقسیم زمین را بین کارگران که اکثرآ روستایی هستند مطرح نمودند ، ولی دیگر کارگران معتقد بودند که "ما هم مثل شما اول اینطور فکر میکردیم ولی بعدها متوجه شدیم که زمین بماند نمیرسد"

روستائیان پس از چنین نامه ای به جها دمنویسند مبنی بر اینکه "زمین ها را بدهید تا شخم کنیم" اما جها دمیگوید فعلا دست نگه دارید .

حالا بعد از سه ماه خان روستا با رنج و رومسلح به برنو و چند قطار فشنگ به روستا آمده است تا زمین ها را پس بگیرد ، اهالی روستا از جها د تقاضای اسلحه کرده اند تا از زمین ها دفاع کنند ولی عملاً جوابی نشنیده اند ، زحمت کشان روستا از دست خان جانان بلب رسیده است و تصمیم دارند تکلیف خودشان را با "خان" یکسره کنند .

منطقه روستایی "کربال" در شمال و شمال شرقی شیراز و در سراسر رودخانه کوهازند در پوش تادریا چه بختگان امتداد یافته است ، این منطقه دارای ۶۵۰ روستای بزرگ و کوچک میباشد ، ۳۶ پارچه از دهات جزو بخشداري خرامه و مابقی جزو مرودشت میباشد ، جمعیت این منطقه حدود ۵۰ هزار نفر است که بر جمعیت ترین روستا های آن از قبیل سلطان آباد و خیرآباد حدود ۳۰۰۰ نفر و کوچکتر بین روستای این منطقه یعنی رشیدآباد حدود ۱۰۰ نفر جمعیت دارد .

از طریق دوجاده میتوان به منطقه "کربال" وارد شد ، یکی از طرف مرودشت و دیگری از خرامه ، جاده ماست و به علت این منطقه خاکی است و به علت طغیان های دائمی رودخانه کوهازند عموماً در زمستان و بهار راهها بسته میشوند ، این امر سبب قطع عبور و مرور و اسباب نقلیه گردیده و به کمبود سوخت در این نواحی منجر میگردد .

تمام خانه های این منطقه بلا استثنا (بجز ما ختمان مدارس) از خشت خام ساخته شده که هیچگونه مقاومتی در مقابل سیل ندارند ، وضع بهداشت بسیار اسف انگیز است ، در منطقه فقط یک بهداشتی بایک دکتر عمومی در خرامه وجود دارد و روستائیان برای مداوای خویش باید فرسنگها راه طی کنند تا بتوانند بمقا بله با امراض خویش بپردازند ، این مسئله بسیار توجه به سبلای زمستان و بهار مشکلات را دوچندان مینماید و درست است اگر بگوئیم روستائیان این منطقه در زمستان و بهار به هیچ مرکز درمانی راندا رند

بگفته یکی از روستایان روستایی "اگر در زمستان و بهار مریمش شویم باید بسایم و بسوزیم با جان دهیم و با خودمان خوب شویم ، چون میترسیم بجای درمان در سیلاب غرق شویم" قبل از سال ۵۷ - ۵۶ ، در اوایل دهه ۴۰ ، دهقانان با رهسپار به مبارزه علیه فئودالها دست زدند ، در سال ۴۲ روستائیان "دریختان" علیه دوما لک این روستا یعنی "داراب" و "سلیم آبادی" طغیان میکنند ، در این شورش روستائیان حتی ما موران را - ندامری ودولت را بشدت مضروب کرده و زمینهای فئودالها را ممانده مینمایند ، این عمل منجر به یورش چکمه پوشان رژیم پهلوی به این روستا میگردد که در نتیجه ۳۸ نفر از دهقانان دستگیر و به شیراز منتقل میشوند ، سپس از این واقعه مالکین زمین ها را دوباره تعاضب می کنند .

### وضعیت اجتماعی - اقتصادی منطقه کربال:

در این منطقه همانند اغلب بنواحی روستایی کشورمان زمین (وسيله توليد) اساسی ترین معیار در تعیین وضعیت اجتماعی افراد میباشد ، براین مبنا میتوان سه گروه را کاملاً از یکدیگر متمایز نمود :

- ۱- مالکان بزرگ
- ۲- خرده مالکان
- ۳- دهقانان متوسط و فقیر

الف - مالکان - مالکان بزرگ که تعداد آنها انگشت شمار است و برحمت به ۲۰ نفر میرسند بیش از ۶۰٪ زمین های این منطقه را در اختیار دارند ، آنها بنا به مصلحت مقدار زیادی از زمین ها را اجاره نمیدهند ،

که در نتیجه از سویی این زمینها بلا استفاده باقی میمانند و از سوی دیگر تعداد کثیری از روستائیان به علت کمبود زمین و عدم تامین زندگیشان ناچار در روستا را به قصد شهرها ترک گویند ، در آن مواردی نیز که زمین ها را اجاره میدهند - آنقدر اجاره بیهای زمین بالاست که فقط تعداد دقلیلی از روستائیان قادرند زمین اجاره کنند ، مالکان بزرگ عمدتاً بهیشتن از سیمدهکتا زمین دارند ، مثلاً "حاج اسدالله متیاز" فقط در ده "بنجیر" مالک ۳۰۰ هکتار زمین است و در روستا های سفلی اسما عیل آباد و ... نیز مقدار زیادی زمین دارد ، این مالکان که عمدتاً در شهرها زندگی میکنند و بعضاً کاخانه دار میباشند ، همانطور که در بالا ذکر کردیم از ترس معادله زمین ها توسط روستائیان که زمین ها را اجاره و کشت کرده اند ، بنا به اجاره تن نمیدهند و با تلافی میکنند ، زمین را به روستائیان غیر بومی اجاره دهند ، هرچند که در همان مناطق بیکاری کولاک میکند .

گروه دیگری از مالکان بزرگ که بیش از ۲۵ - ۳۰٪ زمین ها را در اختیار دارند ، حدود ۴۰ - ۳۰ نفر میباشد ، هر یک از آنها بین ۳۰۰ - ۵۰ هکتار زمین در اختیار دارند ، که تحت همان شرایط فوق الذکر ، بر روستائیان اجاره میدهند ، این مالکان بر حسب میزان ثروت در شهر و روستا زندگی میکنند ، عمدتاً مالکانی گنیه مقدار زمین شان بیش از ۵۰ هکتار است در شهرها و بقیه در روستا ها زندگی میکنند .

ب - خرده مالکان - این

بدون رهبری طبقه کارگر

سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

دهقانان عمدتاً بین ۵۰ - ۵ هکتار زمین دارند و خودشان بهمراه چندکارگر روزمزد روی زمین ها کار میکنند.

● ج: دهقانان متوسط و فقیر  
● ۱- دهقانان متوسط: این قشر از دهقانان ۲۲٪ جمعیت روستاها را تشکیل میدهند و ۱۵٪ زمین ها را در اختیار دارند این دهقانان عمدتاً در جریان اصلاحات ارضی شاه صاحب زمین شده اند. این دهقانان بطور متوسط ۱ - ۱/۵ هکتار زمین دارند و عمدتاً همین مقدار را نیز اجاره میکنند. شرایط اجاره به این صورت است که مثلاً ۳۰۰ دهقان ۱۰۰۰ هکتار زمین را بابت هزار تومان اجاره میکنند که نصف آن را نقد و مابقی را بصورت جسی سرخرم می دهند. این دهقانان علاوه بر دیون مذکور به شرکت تعاونی نیز مقروضند و از این روستاها چند چارچوب و خورش را به سلف خرها بستانند. ۱۱ تومان برای هرمن پیش فروش کنند. در صورتیکه چلتسوک هنگام برداشت محصول هرمن ۲۳ - ۲۷ تومان خرید و فروش میشود.

● ۲- دهقانان فقیر - این قشر که بیش از ۵۰٪ جمعیت منطقه را دربرمیگیرد زمین ندارند و برای امرار معاش زمین اجاره میکنند. این قشر بعد از انقلاب دل به تقسیم اراضی بسته بودند و در مبارزه بر ضد مالکان پرچوش و غروشتترین قشر میبایستند. سپاه پاسداران منطقه خرامه - کربال در طی سال گذشته یکبار مقدار زمین از فئودالها میگردد و به این دهقانان میدهد ولی بعداً مالکان دوباره زمین ها را از دهقانان پس میگیرند. و مقدار کمی از زمین را با اجاره پنج به یک (پنج قسمت رعیت - یک قسمت مالک) به روستائیان میدهند. این قشر از دهقانان غالباً با مالکین زمینها درگیر میشوند و مالکین نیز به زاندا ریزی شکایت میبرند و آنها را بجان روستائیان میاندازند. مثلاً یک

روستایی را که به جرم تحریک زاندا ریزی دستگیر نموده بود به زندان عادل آباد شیراز میبردند که پس از ده روز از زندان با سه هزار تومان رشوه آزاد میشود. وی میگفت که به او تهمت زده بودند که به مال مورین توهین کرده و با بیسمل مالک را زده است. فرزندانش این قشر معمولاً در شهرها کار میکنند و کمتر علاقه ای برای کار در روستا دارند.

در کنار این قشر از دهقانان روستائیان هستند که ۱۵ - ۱۸٪ از جمعیت روستاها را تشکیل میدهند. این کارگران فصلی معمولاً در زمانیکه در شهر کار با شنبه شهرها می آیند و کار میکنند و هنگامیکه در روستاها هستند معمولاً به عنوان کارگر روز مزد مشغول بکار می شوند. آنها به همراه خویشاوندان شهر و بعضاً کارگری را بدرون روستاها می برند.

بر اساس این تقسیم بندی میتوان وضعیت اجتماعی منطقه کربال را کا ملاذ کرد. این منطقه روستایی همانند اکثر روستاهای ایران فاقد جاده، ابتدایی ترین ضروریات زندگی اعم از وسایل بهداشتی و رفاهی می باشد. دهقانان حتی ابتدایی ترین وسایل کشاورزی از قبیل تیلر را با مشقات فراوان و تحمل قروض سنگینی مشترکاً خریداری می کنند تا بدینوسیله بتوانند زندگی خویش را بگذرانند. این دهقانان برای شخم زمین های خویش مجبورند برای هر هکتار شخم ساعتی ۹۰ تومان بپردازند و با آب یک ده صد خاوازی می باید دوازده هزار تومان بپردازند و از سوی دیگر بعلت قروض و دیونی که به علت ضعف مالی گریبانگیرشان میگردد مجبورند محصولات خویش را به ثلث قیمت به سلف خرها بفروشند تازه پس از تمام این ها باید دین خویش را به "بقال" ها ادا کنند و روغن ۵ کیلوشی را ۲۰ تومان و نفت را بهتری هر بار خریداری کنند.

این روستائیان که سالیان سال از ستم اربابان رنج برده اند. زمانی به اصلاحات ارضی شاه دل بسته بودند و پس از انقلاب چشم به جمهوری اسلامی داشتند.

سپاه پاسداران در این منطقه توسط یک معلم پایه گذاری شد. وی بعد از نماینده مجلس گردید و معلوم شد که طرفدار بنی صدر است. وقتی که زمزمه معادیرا ارضی فئودال ها آغاز گشت و بعد از آن به درگیری انجامید. سپاه پاسداران خرامه در بعضی مناطق مثل حسن آباد، سلاست آباد و... زمین ها را بین دهقانان تقسیم کرد ولی تقسیم زمین به این صورت بود که دهقانان پنج به یک و یا سه به یک محصول را به مالک بپردازند. هنگامیکه دهقانان صحبت از مالکیت زمین کردند و اعتراض داشتند که سهمی به مالک بپردازند، پاسداران پاسخ می گفتند که: "این زمین ها اینک در تملک مالک است. در آینده با اجرای اصلاحات ارضی به شما تعلق خواهد گرفت. ولی پس از اینکه سپاه پاسداران روستاها را ترک کردند مالکین به دهات بازگشتند و زمین ها را دوباره در اختیار خویش گرفتند. مراجعات مکرر روستائیان به سپاه پاسداران عفاً جاشی نرسید و با تشدید مبارزه بین دو جناح حکومت عملیات دهقانان بدست فراموشی سپرده شد. سپاه پاسداران که با اقدامات نیم بند خود توانسته بودند توده ها را بسوی خود جلب کنند، با پشت گشاندن اذیت و فراموشی مسئله توده ها را از خود نا امید گردانید. بتدریج توده ها دربار فتنه جمهوری اسلامی نیز عملگاری انجام نداده است.

مقامات جمهوری اسلامی دست سلف خرها را کوتاه نکرده هیچ با سال به روستائیان وام نیز نداده است و گویا اظهار کرده اند که

"با پدید می های قبلی خویش را بپردازند تا وام دریافت کنند." که این خود با زخم دست "سلف خرها" و نزول خورهارا برای چاپیدن روستائیان باز می گذارد. و بالاخره هنگامیکه ما به نیاز عمومی مردم میهن ما بایداً خارج وارد شود هزاران هکتار زمین فئودالها فقط بخاطر اینکه اینان نگران معادیرا زمینها توسط دهقانان هستند، بلا استفاده مانده است. چرا؟

دهقانان به تجربه خویش دریافته اند که جمهوری اسلامی تمایلی به مصالحه و انقلابی از ارضی مالکین و زمینداران ندارد. آنها دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی خواهد دست "سلف خرها" را از روستاها کوتاه کند.

آنها دریافته اند که حکومت برای پیشرفت کار دهقانان حاضر نیست تراکتور را اختیار شان بگذارد، چاه ها را در اختیار شان بگذارد تا بدین وسیله کشت و رزی میهن صای رونق گیرد.

آنها دریافته اند که جمهوری اسلامی نمی خواهد با تشکیل و قدرت بخشیدن به شوراها محلی و سپردن امور بدست آنها از چپا ول روستائیان توسط مالکان زمینداران سلف خرها و خرده فروش ها جلو گیرد.

دهقانان به تجربه در زندگی روزمره خویش دریافته اند که نمیتوان امید ی به جمهوری اسلامی بست.

این وظیفه کمونیست ها است که بروستائیان نشان دهند که تنها حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان قادر است خواسته های بحق توده ها و از جمله دهقانان را برآورده سازد. تنها چنین حکومتی که خود بر پایه ی شوراها و انقلابی کارگران و زحمتکشان ایجاد شده میتواند به روزی دهقانان پایان دهد و زندگی نوینی را به ریزد.

## دم خروس یا قسم حضرت عباس!

امام جمعہ و دادستان تھاک :

شنبه سوم آبان ماه  
۱۳۵۹ - شماره ۱۶۲۷۰

گروهکهای ضد اسلامی در کتاب

## ۴ روستا را به آتش کشیدند

اطلاعیه ستاد ارتش و پاسداران میروان  
روستائیانیکه باضد انقلابیون  
همکاری کنند، بشدت مجازات  
خواهند شد

در تکب گفت : افراد مسلح  
گروهه ، دمکرات و فدایی با  
همکاری سایر گروهه های  
ضد اسلامی اینک ماهیستان  
برای مردم کردستان روشن  
شده است ، دست به امر حمله  
وحشیانه ای میزنند از جمله  
چهار روستا را بکلی به آتش  
کشیدند و مردم را مجبور به  
ترک خانه های خود کردند ،  
البته با اعدام های گزاف و سوری

خسروی، امام جمعه و دانشمندان  
تکاب، طی کشتگویی بنا  
حرب و خیرگی از پارس،  
ضمن تشریح میزبندی های  
بخش تکاب گفت: با این  
که مردم تکاب و روستاهای  
اطراف از سوی گروهک های  
سلح غیر قانونی، تحت فشار  
هستند، بازارها، آحادگی خود  
و برای مقابله با کفار و دفاع  
از کشتوز، در هر نقطه اعلام  
داشته اند. مردم این بخش

سندج - خبرگزاری پارس - ستاد ارتش و سپاهیان در آن یون، در اطلاعاتی به روستائیان مریوان و سندج فشار داد چنانچه با ضد انقلابیون، از جمله مزدوران گاری، کومله و دمکرات در تهیه آذوقه و خواریان مکاری کنند. بدست مجازات خواهند شد. در اطلاعیه به روستائیان توجه داده شده است که از نظر شرعی منعی با دشمنان کافر هرام و حیات به سلب اثری نیست.

جمهوری اسلامی هنوز هم به وحشیانه ترین حملات علیه نیروهای انقلابی در کردستان ادامه میدهد. جمهوری اسلامی تلاش دارد تا با توسل به افزایش احساسات ناسیونالیستی مردم در سران کشور با طرح جنگ ایران و عراق، جنایات خویش در کردستان را موجه جلوه دهد! زسویی، صها با ذرا احتیاج به صیما را ن میکنند و قاحت را با نجا میرسانند که رئیس صها با ساداران منطقه میگوید: «ما دستور دادیم که با توپ صها با دراز شخم زده و در آن سیب زمینی بکاریم». و از سوی دیگر در روزنامه های رژیم و قیحا ندها میخواند که نیروهای انقلابی با تهدید و رعب از مردم میخواهند تا آن همکاري کنند و صها با میگوید و اکشن صنفی رو برو میشوند مردم را میکنند و خانه هايشان را به آتش میکنند! «این کلماتی است که امام جمعه وادستان تکاب بر زبان رانده و روزنامه ها اطلاعات بدراج آن بسیار درت روزهاده است. ولی دروغگويان که حاطه اند و حاد اقل آنقدر زیرک نیستند که در همان صفحه اطلاعات رشت را مبني بر مجازات روستايشان در صورت همکاري با نيرو هـ صها با انقلابی درج ننمایند.

در همان صفحه روزنامه اطلاعات ستاد ارتش و پاسداران مریوان "بیروستا شیان مریوان و سبندج همداردا دچنا نچبا مدانقلابیون... در تپه آذوقه و خوابگاهها را همگاری کنند، بشدت مجازات خواهند شد" با دروغ پردازی و جعل اکاذیب و قیاحه ترازی این هم ممکن است؟

آنها همکاری کنند و در همان صفحه رشتن روستا ثانی را که توسط نیروهای انقلابی «مجبور» به این عمل شده اند، به «مجازات شدید» تهدید میکند!!

امروز جمهوری اسلامی تلاش میکند در این شرایط مسا عدکا رگ‌دستان را یکپاره کند و به همین علت مبارزان شهرها و روستاهای رگ‌دستان لحظه‌ای قطع نمی‌شود. لشکر ۴۶ ارومیه، در آخرین اطلاعیه‌اش خطاب به مردم رگ‌دستان اعلام کرده است که در مقابل هتک خود رو که از دست بدهد، یک روستا را با خاک یکسان خواهد کرد.

این حرف‌ها در حالی زده می‌شود که رژیم جمهوری اسلامی هر روز با ظرافت‌های اسلامی-اش در عراق می‌کند و مدعی است که تحت هیچ شرایطی مناطق مسکونی عراق را بمباران نخواهد کرد.

این پیشروان که برای مظلوم نشان دادن خود، از هیچ دروغی فروگذار نمیکنند، از یکجایان به آرد سکهها پرداخت میکنند (۱) و سبب زمینی بگارتدروستاها را با خاک یکسان میثابتند، از سوی دیگر بوسیله بلندگوهای تبلیغاتی خود، از رفتار انسانهای و اسلامی دم میزنند و خود را مظلوم و این درحالی است که همان بلندگوهای تبلیغاتی، در بلندترین دروغ هارابر علیه نیروهای انقلابی در گردستان پخش میکنند ولی، دروغتویان خدمت خویش را باز نمیکنند.

**پاسخ خواسته‌های معلمان اخراجی!**

نماینده مغلطان اخراجی قائم شهر

در محل آموزش و پرورش توسط

سدا وان دستگیر شد. پایدار۔

## ن درمخل آ موزش و پـرور شـ

ن را با کتک به همراه خود بردند .

وی کہ برای پیگیری وضع

مجلسمان اخراجي هر روز به آمو—

زس وئرورش ميرفته است ،گويا

بخواست روسای آموزش و پرورش

توسط پاداران دستگیر میشود●

گسترده تر بلادیوندمبار زات زحمتکشان کردستان  
بامبار زات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

☆ رفقا و هواداران!

در شرایطی که رژیم و دسته های مزدور  
وابسته به آن با اعمال فشارهای خود،  
تضيقات بیشماری، در ارفعاليت هبای  
آگاهران کمونیستها و نیروهای انقلابی  
بوجود می آورند، وظیفه انقلابی حکم میکند،  
که با یکارگیری تمامی امکانات وابستگاران  
ات خود، در تکثیر و پخش هر چه وسیعتر انشای  
رات سازمان مبارزای دهد.

[illegible]

## یادرفیق رزمنده شهید

### محمد رضا رمضان

### راگرامی بداریم!



۲۴ مهر نقاط مکنونی شهر کرمانشاه توسط هراپیما های جانیگاران عراقی بمباران شد. صدها دانش آموز و زحمتکش در زیر آوارها به شهادت رسیدند و با خون سرخشان که همچون جوی سبزی در گوشه و کنار شهر روان در راه ادامه انقلاب را ترسیم کردند و درختی را که با خون دهها هزار شهید در سراسر این سرزمین و بوم بارور شده بود با زهر آبیاری کردند.

رفیق محمد رضا فرزندی و زحمتکش و پیاوخته دار و انقلابی بی مادر میان آنان بود. رفیق محمد رضا را میتوان سبیل تمامی شهدای روز ۲۴ مهرماه کرمانشاه دانست. زیرا مانند این دست فروش میدان گسار از که تنها یک چرخ دستی دار و ندادن زندگیش بود و مانند آن کوچک هشت ساله دبستان رشیدی گنه بیکر متلاشی شده اش دستهای مادر

درش را گلگون کرده بود و مانند فرزندان زحمتکش خانوادها ی زیر آوار مانده "جلو خان" و مانند تمامی شهدای آن روز خوشین در فخر بدنی آمده با فقر زیست تنها آخرین لحظه زندگی کوتاهش برای تا بودی آن مبارزه کرد و مانند تمامی آنها قربانی خود طله های شوم امپریالیسم و استعمار گردید.

رفیق شهید محمد رضا رمضان در سال ۱۳۴۲ در خانواده فقیری بدنیا آمد. زندگی رفیق از همان آغاز با رنج و محرومیت شدید همراه بود. محمد رضا تا سن پنج سالگی با رای راه رفتن نداشت. آنها که از نزدیک خانواده اش را می شناختند میدادند که ما در بیمارستان پاریس شیر دادن به فرزندش را هم نداشت. آنها میدادند که چرا محمد رضا نمیتواند راه بپیماید

آخرا و در آغاز زندگیش شبیهایی را که هرگز خودش میاندیشید، گرد سینه خوابیده بود. ناله های جگر خراش این کودک و خانواده تنگدست و بیمارش به گوش کسانی میرسید که خود آنان نیز دردمند بودند.

آخرا آنها با خانواده دیگر در یک کاروانسرای زندگی میکردند. رفیق شهید راه رفتنش را با بلیط فروشی، آدامس فروشی و... آغاز کرد. روز عید موقعی که بسیاری از همسن و سالانش با لباسهای شیک همراه پدران و مادرانشان به میهمانی میرفتند و درختها با آنها شکلات میفروخت و

با لایحه رفیق به مدرسه رفت و در آنجا بود که با آثار ضد استعماری آشنا شد و از همان زمان که بدو کینه نسبت به اختلافات طبقاتی موجود در سینه اش کاشته شد. به هنگام اوگیری جنبش انقلابی در سال ۵۷ رفیق دانش آموز زکاتکون رنج و کار و آگاهی را با هم آمیخته بود. با قلبی مالامال از عشق به توده ها و زحمتکش که خود فرزند آنان بوده و در کنار آنان بزرگ شده بود، بطور فعال در مبارزات مردمی شرکت کرد.

در همین زمان بود که او بی

بردی برای آنکه برای همیشه بتواند فقر و محرومیت را از سینه بر کند با بد مجهز به اندیشه ای به همان اندازه انقلابی باشد و بدین ترتیب ما رگسیم لنینسیم را چراغ راهنمای آدامه زندگی مبارز.

اتی خویش قرار داد و به همراه فدائیان خلق به فعالیت پرداخت اما از آنجا که رفیق خود فقیرو رنج روز افزون توده ها از یکسو و سرکوب زحمتکش و انقلابیون توسط رژیم جمهوری اسلامی را از سوی دیگر بر شانه های خویش حس میکرد نتوانست گرایشها را سازگارانه و قریض طلبانه فدا ثانیان را تحمل کند. بهین از تشغاف در سازمان فدائیان بود که رفیق یکسره از آن برید و در سنگر هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزه اش را ادامه داد.

شجاعت و صداقت و شور انقلابی رفیق محمد رضا در راه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر و در راه نجات تمامی زحمتکش از زنجار همه رفقایی هم رزم اویت.

با دشراگرامی میداریم و راه سرخشان را که راه همه زحمتکش و خلقهای تحت ستم ایران و جهان است ادامه خواهد داد.

### بقیه از صفحه ۱۹

مخبرانی، نمایش فیلم و... یکی از شهیدان این دوره از مبارزه قلب مولانایی است. افبر انقلابی، بهروز و بهروز نیکیا که به جرم سرپیچی از کشتار مردم و کشتن فرماندهان فوق خود بدست رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده، از اهالی این منطقه بوده است. اما شهدای آقا زمان شهدای راه انقلاب و منافع خلق کرد و خلق ایران، آن جریبان برخی را تشکیل میدهند که با شهادت بهروز و بهروز نیکیا به پایان تغییر رسید بلکه هر روز بیشتر افق را خونین میازد تا روزی سرانجام سر تا بر زندگی خلق را با خون سرخ خود آزاد سازند. در جریان یورش اخیر به سنج و جنگ ۲۶ رو و با مردم سنج، مردم آقا زمان مثل همه مردم کردستان مردانه و قهرمانانه ایستادگی کردند و با هم خون خویش را کنار راههایی زحمتکش نمودند. شمس الدین محمدی، فریده گل نسب و... (بسته نقل از کومه له) راه بهروز نیکیا را ادامه

### دادند

از اینجا بخوبی معلوم میگردد که چرا ارتش و پاسداران و به اصطلاح ستاد امنیت کردستان مردم آقا زمان را تهدید میکنند. آنها نه مردم آقا زمان بلکه همه مردم سنج، همه مردم کردستان و همه مردم ایران را تهدید به قطع ارزاق عمومی میگویند. ما نیاز داریم به مردم بر علیه ظلم و ستم ملی ویا طبقاتی برخاسته باشند، هر کسی آزاد و انقلاب دفاع کند این گلزه ها، این توپ ها و این محاصره اقتصادی ها وجود خواهد داشت.

### مصاحبه با قتش و بازجویی و دستگیری!

یکی از جوانان مجله آقا زمان، سیا سنگ هدایت مطهری (۵۵ ساله) نام دارد که اکنون چند ماه است در زندان اوین بسر میبرد. دانستن چگونگی و علت دستگیری این جوان میا رزیسیا را لب است و کسی است که

در مصاحبه را دیوید لویزیون با عوامل رژیم مکتبی جمهوری اسلامی برده از روی اقدامات رژیم در کردستان و ماهیت جنگ در کردستان بیان برداشت. نشان داد که ارتش و پاسداران با خلق کرد به جنگ پرداخته اند ولی به همین علت یعنی به جرم افشای حقیقت ماهیت جنگ پس از مصاحبه دستگیر شده و اکنون چند ماه است به همراه ۲۰۰ تن دیگر بدون بازجویی ویا محاکمه در زندان اوین میباشند. (انقلاب اسلامی ۲۹ شهریور ۵۹) مصاحبه گران رژیم و حکومت جمهوری اسلامی در مصاحبه و نظرخواهی از مردم هم بدنبال بازجویی آنها هستند.

میگویند: ارتش عراق آب را بر مردم آبادان بسته است! اما روزنامه جمهوری اسلامی (به شماره ۲۲ مهر) اقرار میکند که همین کار را ارتش ایران در مورد شهر اشغال شده سنج، در مجله آقا زمان عطی نموده است. همان این دوا رتش از لحاظ سرکوب خلقها فرقی وجود ندارد.



بقیه از صفحه ۲۰

## کردستان...

زیادی از خانه های مسکونی راویسران نمودند. در ایستگاه حمله هوایی در حدود ۳۰ نفر شهید و بیش از پنجاه تن زخمی گردیدند.

فائستهای بعث سالهاست که چنیسن بمبارانهای وحشیانه و کشتار مردم بیدفاع را در قورده خلق کرد عراق انجام میدهند. وطنی یکسال ونیم اخیر بارها نقاط مسکونی مرز ایران و عراق را در این منطقه با ناپالم کوبیده اند.

خلق کرد در کردستان ایران از این جنا بتهاد غذا را ست و کینه و نفرت خود را از این دشمنان قسم خورده خود به نیرویی پایان نا پذیر برای مبارزه با آنان تبدیل خواهد کرد.

پیرانشهر

۵۹/۷/۱۴

ساعت ۵ صبح این روز حدود ۳۰ نفر از ارتشیان پادگان بسوه وارد روستای کرده کشان شدند و بطرز وحشیانه ای به سوی مردم و خانه های روستا هجوم بردند. بعضی از مردم روستا برای در امان ماندن از این حمله مغولوار ارتشیان، وحش زده مغازه ها و محل کار روزندگی خود را رها و روستا را ترک کردند.

ارتشیان بعد از تفتیش منازل روستا - شیان، مغازه شخصی بنام "محمد امین شفیعی" (ابزار فروش) را اذیت کردند و تمام اجناس و وسایل داخل دکان را با خود بردند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میخواهد با غارت اموال و دارایی مردم کردستان، بمباران، خمپاره باران، سوزاندن و مغارت اقتصاد دها و شهرها، خلق کسرت را برانند و در داخل دلاور کرد با استوار اری در مقابل این سختیها ایستاده است و مبارزه با دلاورانه اش را با همراهی زحمتکشیان و خلقهای ایران همچنان به پیش میبرد.

گفتگوی بین یک پیشمرکه کومه لارو فرمانده ستون اعزامی به سردشت

نوشته زیر متن گفتگوی یکی از پیشمرگان کومه لارو (مستول بیسیم) با فرمانده ستون اعزامی از بانه به سردشت میباشد. این ستون اکنون در محل "دار ساوین" به محاصره پیشمرگان در آمده است.

این مکالمه بطور تصادفی و در حالیکه فرکانس بیسیم پیشمرگان و ستون یکسانی شده بود، صورت گرفته است. این گفتگو بدون هیچگونه تغییر و ضبط شده و در اختیار خبرنامه قرار گرفته است که ما نیز آنرا به آگاهی تان میرسانیم.

پیشمرگ: من یک پیشمرگ انقلابی هستم و سئوالی از شما دارم. شما چرا در بیسیم به خلبان هلیکوپتر دستور دادید مردی را که مشغول کار بر روی خرمن است بزند؟

فرمانده ستون: او کشا و رزن بود پیشمرگ: چرا دها را آتش میزنید؟ فرمانده: ما جنگ را دوست نداریم ولی در هر جنگی بی عدالتی و ویرانی وجود دارد.

پیشمرگ: هر جنگی نا عادلانه نیست. بنظر من در جهان دو جبهه وجود دارد، جبهه ستمگران و جبهه ستمدیدگان. بنا بر این معلوم است، کسی که در جبهه ستمگران قرار دارد نا عادلانه است و جنگ در جبهه ستمدیدگان عادلانه.

فرمانده: خوب پس ما متحد بشویم و بر علیه عراق بجنگیم و با مذاکره مسئله کردستان را حل کنیم.

پیشمرگ: ما تا حال چندین طرح بدو لست را ارائه داده ایم و مذاکره کرده ایم. اما رژیم پاسخ ما را با گلوله داده است. بنظر ما صدام حسین در جبهه ستمگران است و ملت عراق در جبهه ستمدیدگان و حکومت خمینی هم در جبهه ستمگران است و مردم را سزکوب میکند.

فرمانده: ما که سرمایه دار هستیم من خودم پسریک کارگر بودم.

پیشمرگ: سرمایه داران برای حکومت بر مردم دستگاههایی لازم دارند که برای بر آه انداختن آنها از مردم زحمتکش

استفاده میکنند. فرمانده: از اول فقیر و غنی وجود داشته است. عده ای کارگر بوده و عده ای نیز سرمایه دار بوده اند.

پیشمرگ: این حرفها کلک سرمایه داران است برای فریب مردم.

فرمانده: خوب شما که میگوئید ما طرفدار سرمایه دار نیستیم پس طرفدار فئودالها هستید. والا این اسلحه ۵۰ هزار تومانی را از کجا آورده اید؟

پیشمرگ: از خود شما!

حتما خبردارید که ما در روزهای قیام مقدار زیادی از اسلحه های پایگاههای رژیم سابق را بدست آوردیم و در دورا و اول جنبش مقاومت در همین محلی که شما اکنون نشسته اند و صحبت میکنید، ستون بزرگی از پاداران را خلق سلاح کردیم. خمپاره ۱۲۰ میلیمتری که شما را هر روز میکوبند چندی پیش از پایگاه "ربط" بدست آوردیم.

لایبیا دتا ن رفته است از ستون خود شما تا کنون غذا در بادهای سلاح سبک همراه با یک آرپی جی و یک کالبر ۵۰ و مقدار زیادی مهمات گرفته ایم شما برای ماهمول ره منیع پایان نا پذیری هستید!

فرمانده: من کار دارم و میروم.

پیشمرگ: رنده با دلقهای زحمتکش و ستمدیده!

فرمانده: رنده با ده مگی!

پیشمرگ: نه مگی! بلکه رنده با دلق زحمتکش! مرگ بر ستمگران! آنا بودیم!

امیرالایم!

بقیه از صفحه ۲۰

## مردم شهر مقاومت...

بعد از قیام نیز این محله نقش فعالی در مبارزات مردم سنندج داشته است. اوج فعالیت آنان پس از یورش ارتش و پاداران در سال ۵۸ (شهریور) بود. جوانان محله در دوره فغان بعد از یورش او به تشکیل شمشگاه، نصب علامه، عکس و پوستر شرکت در تظاهرات و تحمن ها پرداختند.

خفتند، پاداران چندین بار به آنان حمله کردند و بر اثر مقاومت متقابل مردم محله و جوانان منطقه پاداران مجبور به عقب نشینی شدند. هنگام تشکیل هیئت مؤسسه رای محلات و همینطور در ایجاد اولین بنکهای سنندج مردم آقا زمان نقش چشمگیری داشته اند. پس از تحمن بزرگ ۲۹ و ۳۰ سنندج که منجر به خروج پاداران رژیم از شهر شد، دامنه فعالیت آنان و ست گرفتار تشکیل کتاخانه، گسترش بنک، تشکیل شورای محل، تشکیل شورای زنان محله

دوره داده است، از جمله تظاهراتی که دانش شکی جوانان انقلابی و مبارز خلق کرد را به جوخه اعدام میسپارند، آری این "سلمانان" در جهیک آزار عمومی و ما - بحتاج اولیه مردم محله آقا زمان را قطع کرده و هیچ ترشی هم ندارند که از در روز نامه جمهوری اسلامی اعلام نمایند.

### مختصری درباره محله آقا زمان

محله آقا زمان که اکنون در محاصره اقتصادی شدید و نظامی ارتش و پاداران قرار دارد، یکی از محله های بزرگ و قدیمی شهر است. ساکنین آنرا اغلب توده های متوسط و فقیر شهری تشکیل میدهند. این مردم که از لحاظ آگاهی سیاسی و شور مبارزاتی و کینه به دشمنان خلق در سطح بالوفا سببی قرار دارند، در مبارزات خلق کرد و شهر سنندج جای برجسته ای داشته اند. در زمان قیام بر علیه حکومت شاه یکی از کانونهای اصلی مبارزه بود که شهیدان چندی نیز در این دوره داده است، از جمله تظاهراتی که دانش

# رزمندگان

## ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر



ترین شرایط در مقابل بورژوازی و حشایان  
ارتش و پاسداران به گردستان مقاومت  
بهروزمندان را به پیش ببرد مسلماً  
در مقابل دشمن دیرینه و قسم خورده، خلقها  
و زحمتکشان عراق سر تسلیم فرود نمی آورند  
و در گردستان در مقابل تجاوزگران ایستادگی  
خواهند کرد.

سازمان ما ضمن مقاومت سرسختانه  
و انقلابی خود همراه با توده های خلق کسرد  
در مبارزه با هیئت حاکمه ضد خلقی ایران  
مسلماً بسیار بهتر از ارتش پوتالی و پاسدا  
را با ارتجاع از سرزمین ایران در مقابل  
هر تهاجم و خارجی دفاع خواهد کرد  
خلق که توانسته است ما را در سخت

(نقل از خبرنامه کومه له) سازمان انقلابی زحمتکشان گردستان ایران

## گردستان قهرمان

نقل از خبرنامه  
کومه له  
شماره ۸۱ و ۸۲

۵۹/۲/۵

در این روزها غارتوهای جمهوری اسلامی  
های منطقه "شاهرویان" را با  
جیمهای ناپالم و راکت مسلسلهای سنگین  
به آتش کشیدند. در روستاهای "یوسف کند" و  
"گوگ تپه" چند خانه بکلی ویران شده و مردان  
با این جنایات نیروهای هوایی، ارتش و  
مستبدان یوسف کند بوسیله تویچه های دور  
و خمپاره انداز روستای "قم قلعه" را بطرز  
وحشیانه ای زیر آتش گرفتند که در نتیجه  
آن چندین خانه ویران گردید.  
پاسداران ارتجاع حدود ۲۰ نفر از مردم  
مبارزین را در آنجا که در چهار راه آزادی جمع  
شده بودند بدون هیچ گونه دلیلی دستگیر  
نمودند.

۵۹/۲/۱۵

کامیاران

در ساعت ۶ صبح این روز عده زیادی از  
تنی و پاسداران مبارزان بطرف روستای  
"ک" حرکت کردند و در مسیر خود روستاهای  
"تیانه" و "سراوکام" را مورد حمله قرار  
دادند که با مقاومت پیشمرگان کومه له  
(پهل شهید حمید) و دیگران روبرو شدند.  
در ساعت اول درگیری تعدادی از آنها  
کشته و زخمی شدند و یک اتومبیل سیمرغ  
که یک قبضه کالیبر ۵۰ روی آن کار گذاشته  
بود از آنها افتاد. بعد از مدتی نیروهای  
کمکی از کامیاران به کمک آنها آمدند.  
در ساعت ۲ بعد از ظهر نیروی دشمن  
مربکب از ۱۴ اتومبیل (خودرو ارتشی و  
سیمرغ) ۲ تانک و یک نفر بر سریده بود. نیرو  
های اعزامی کمکی به محل درگیری در مسیر  
خود عده زیادی از اهالی روستاهای "وهرمه  
هنگ" و "الک" را بزرگوارانداختند و خود

در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر این روز ارتشیان  
و پاسداران مستقر در یگانه "هلتوشان"  
روستای "نجف آباد" را به مدت یک ساعت  
خمپاره باران کردند. در این خمپاره باران  
یک زن زخمی و به چندین خانه روستا تپان  
خسارتی وارد آمد. اهالی این روستا از رو  
حیه عالی و انقلابی برخورد را بودند. بعد  
از تمام خمپاره باران شروع به بازسازی  
خانه های خسارت دیده کردند و این جریان  
بکینه و نفرت آنان را نسبت به دشمنان  
طبقاتشان بیشتر کرده است.

۵۹/۲/۱۸

سردشت

عمر این روز ۳ فرونده و اینهای میمک  
عراقی بر آسمان شویزا هر شدند و با افکندن  
۳ بمب ناپالم در اطراف و داخل شهر تعداد  
بسیار را کشتند.

## مردم شهر مقاومت، در دفاع از پیشمرگان قهرمان

که "مردم گردستان"، "مردم محله آقا زمان"  
با نیروهای ضد انقلابی همکاری دارند  
تا حالا گفته میشد "خدا انقلابیون" یعنی  
مردوران هستند. اما اطلاعیه شماره ۷ ستاد  
امنیت گردستان علناً اقرار میکند که "مردم  
محله آقا زمان" دست به مبارزه برای حقوق  
اولیه خود زده اند. و از انقلابیون مبارز  
خلق کرد مدافعه میکند. معلوم شد از نظر جمهوری  
اسلامی مردم انقلابی و مبارز هستند. مردم  
محله آقا زمان خدا انقلابیست. و برای تحت  
فشار قرار دادن این مردم قطع "ارزاق  
عمومی و ما یحتاج" و "ولیده ضحای عیسی"  
ندارد بلکه کار خوبی هم هست. در حالیکه  
دیوایران مرتباً فریاد میزند که کفار عراقی  
آب را بر مردم آبادان بستند. خود آب بین  
"مسلمانان" درجه یک در مناطق تحت اشغال  
ارتش و پاسداران در سنجج پس از آنکه  
مدتها آنرا بمباران کرده اند و با کوچکترین  
مقاومت مواجه

## اطلاعیه شماره ۷ ستاد امنیت استان گردستان

به ملت عدم همکاری عداوت از سکه  
این محله علیه انقلابیون و پیشمرگان  
همچنین و همچنین و مساحت مردم  
این منطقه به خدا انقلابیون  
اظهار به کسانی که در ششای افراد  
سلح و خدمت مردم همکاری داشتند  
و یا مبادرت به اختفای مهاجمین  
می نمایند برای اولین بار تا اطلاع  
تأخیر آزا ق عمومی و ما یحتاج آنان  
قطع در صورت تکرار چنین مواردی  
تعمیمات شدیدی در مورد آنان  
انتقال خواهد شد.

همانطور که می بینید مقامات ارتشی  
پاسداران و جاسای گردستان اطلاعیه ای صادر  
در کرده اند و در آن "مردم محله آقا زمان"  
را تهدید کرده و اعلام نموده اند که "ارزاق  
عمومی و ما یحتاج آنان" را قطع خواهند  
نمود.  
این اطلاعیه بخوبی پرده از روی عوا  
مفریبی های دولت جمهوری اسلامی بر میزد  
ارد. جمهوری اسلامی که حتی در شرایط جنگ  
مبارزات، سرکوب و کشتار خلق کرد را لحظه ای  
از چشم نیانداخته است، در اینجا اقرار میکند

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوشیده  
سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گوبید!

# درباره جنگ و تاکتیک کمونیستها

همیشه بهنگام بروز جنگ، مسئله جنگ یکی از موضوعات مهم و اصلی مورد مشاجره کمونیستها بوده، و با زار مبارزه ایدئولوژیک بر سر آن داغ میشده است. و همواره نیز این مبارزه ایدئولوژیک و مشاجره بر سر جنگ و چگونگی برخورد به آن، نقش خانه تکانی و تجزیه سره از ناسر را ایفا کرده است. جنگ جهانی اول، جنگ آلمان و شوروی و موضوع صلح ۱۹۱۸، جنگ های قرن نوزدهم اروپا، جنگ چین و ژاپن و... همگی چنین نقشی را ایفا کرده اند.

هر جنگ جدیدی همواره مسائل پیچیده جدیدی را به بار میآورد، که در برخورد به آن بسیاری از دیدگاهها و جریانات و خواننده ها را پشت سر گذاشته و در مسیر تکامل به پیش میروند. اما دیدگاهها و جریانات دیگر عجز و ناتوانی خود را بنمایانده و پند ریخته و بتدریج ناگزیر از ترک صحنه به نفع دیگران میگردیدند. جنگ کنونی ایران و عراق نیز مسائل جدیدی را برخیل مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی افزوده، و میدان جدیدی برای مبارزه طلبی و اثبات حقانیت دیدگاههای جریانات مختلف گشوده است. اما اگر وارد مطلب شویم، خواهیم دید که با ریزش مشکلات موجود جنبش کمونیستی آشفته نشده، و حتی موضوع جنگ نقش مثبتی در پیشبرد مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی دارد.

هم اینک جنگی در کشور ما جریان دارد، که تقریباً همه امور و روندهای اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار داده و به مسئله اصلی و موضوع روز جامعه و نیز جنبش کمونیستی تبدیل شده است. این جنگ گذشته از آنکه چهره حقیقی منافع و مقاصد طرفین اصلی آنرا آشکار میکند، بنمایاننده ماهیت واقعی جریانات مختلف جنبش کمونیستی میپردازد، و بخوبی سرشت اپورتونیستی و رویزیونیستی بسیاری از جریانات را روشن میسازد، و آنرا از زیر طواغران راسته و ادعاهای سبغفلت کشیده بیرون میآورد.

این جنگ محل وزان نمایش صریح دیدگاههای اساسی و متدولوژی جریانات مختلف کمونیستی است که اغلب در پس ظاهر سرآراسته مواضع روزمره پنهان بودند، یا اینکه بطور جزئی خود را مینمایانند.

از همه مهمتر آنکه این جنگ گذشته از اثبات جدی که در عرصه سیاسی کشور دارد، نقطه عطف بسیار مهمی در مسیر تکاملی جنبش کمونیستی محسوب میشود، و در پیرویه وحدت جنبش کمونیستی تا شیری بسزای میگذارد، صفوف جریانات مختلف را از هم متمایز میکند، و دوری و نزدیکی آنها را بخوبی و بطور مشخص معلوم مینماید.

## ● مسئله جنگ بطور عام

"جنگ ادا مه سیاست است" این گفته معروف کلوژویتس است. ادا دفن استراتژی جنگ با راه و بسا راه را در ادبیات مارکسیستی بکار رفته و بوسیله مارکسیستهای مختلف تائید شده است. جنگ وقتی آغاز میشود که سیاست در راه های خاص خود به بن بست میرسد، و راه جدیدی در پیش نمیگیرد، که دیگر تنها راه ادا مه نیست. جنگ اعمال قهر برای پیشبرد سیاست است. بهمین خاطر است که لنین این گفته کلوژویتس را پیوسته تکرار میکند که "جنگ ادا مه سیاست است نه راه های دیگر". جنگ با وجود آنکه در شکل قهر و کثاکش مسلحانه تجلی دارد، بازنوعی سیاست است که به روش قهر آمیز دنبال میشود. اما سیاست بلوغ مبارزه طبقاتی است، و بر این پایه هر جنگی خود را کمترین شکل تجلی مبارزه طبقاتی و آخرین طریق پیشبرد منافع طبقاتی است. مگر جنگهای ماقبل تاریخ و جنگهای بین قبایل ابتدایی، بنا بر این هر جنگی را با بدر بستر مبارزه طبقاتی و منافع طبقات مختلف مورد بررسی قرار داد. و از آنجا که جنگ وقتی آغاز میشود که سیاست بعنوان شکلی از مبارزه طبقاتی به بن بست میرسد، پس در برخورد به هر جنگ باید اولاً معلوم نمود که جنگ بین چه طبقاتی صورت گرفته است، ثانیاً چه سیاست، یا سیاستهایی بر مناسبات طبقات درگیر جنگ حاکم بوده، که از دل آن جنگ بروز کرده و موجبات این جنگ را بوجود آورده است.

م. ل. ها همیشه در برخورد به جنگ ما نندهر پدیده دیگر، گرفتار ظاهراً فضا یا نگشته، وسیع در دستبایی به ما هیت امردا رند، و میکوشند که خصلت حقیقی امور و جریانات را از پس ظاهر آنها معلوم سازند. شیوه تعیین ماهیت هر جنگ از نظرم، روشن و مشخص است، اما برای شناخت ماهیت حقیقی هر جنگ لازمست که مقدمتاً معلوم نمود که

آن جنگ بر متن کدام روندهای تاریخی یا به عبارتی دقیقتر در چه عصر و دورانی صورت گرفته است. از این لحاظ باید معین ساخت که رابطه جنگ با عصر مربوطه اش چگونه است، و آیا جنگ در بر دارنده خصلت اساسی دوران و عصر مورد نظر میباشد یا نه؟ مثلاً اگر جنگ در دوران ترقی تاریخی بورژوازی وقوع یابد، آیا این جنگ منطبق با خصلت اساسی و روندهای تاریخی این عصر میباشد یا نه؟ یا اگر جنگ در دوران ارتجاع تاریخی بورژوازی یعنی امپریالیسم صورت پذیرد، آیا جنگ مزبور با خصلت اساسی این عصر منطبق میباشد یا نه؟

پس در برخورد با جنگ باید معین ساخت که آن جنگ در چه دورانی صورت گرفته، و اینکه ماهیت آن با خصلت اساسی آن دوران تطابق دارد یا نه. اما نکته بی که در اینجا باید توجه داشت و لنین پیوسته در مشاجره بر سر مسئله جنگ بر آن تاکید داشته، همان برخورد مشخص با هر جنگ است و اینکه ماهیت ترقی یا ارتجاعی جنگ را نمیتوان صرفاً بنا بر خصلت دورانی که جنگ در آن صورت گرفته، تعیین نمود و در واقع نوع جنگ را بطور کلی از نوع و خصلت عصری که در آن اتفاق افتاده، استنتاج کرد، بلکه ضرورتست که در برخورد با هر جنگ به بررسی مشخص پرداخت\* و در واقعیت نشان داد که

\* - لنین در این زمینه مینویسد:

"یک دوره از آن جهت دوره نامیده میشود که در برگیرنده مجموعه پدیده ها و جنگهای متنوع است. هم نمونه وار و هم غیر نمونه وار، هم بزرگ و هم کوچک، هم آنها که مختص مناسبات پیشرفته و هم آنها که مختص کشورهای عقب افتاده اند. کنار گذاردن این مسائل مشخص از طریق عبارت پردازی های عام در مورد دوره "به شیوه" کیوسکی بمعنای سوء استفاده از مفهوم دوره است... سخن گفتن جدا از زمان و مکان و بطور عام، برای یک مارکسیست پسندیده نیست." (کار یکا توری از مارکسیسم)

ما هیت آن جنگ با خملت اساسی دوران مورد نظر منطبق هست یا نه، و در اینجا ست که موضوع شیوه تعیین ما هیت یک جنگ بمیان میاید. یعنی آنکه چگونه ما هیت یک جنگ را میتوان تعیین نمود. ولی پیش از پرداختن به مسئله شیوه و چگونگی تعیین ما هیت یک جنگ، لازم به تذکر است که هر چند ما در عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری بسر میبریم و از این لحاظ مضمون اساسی این عصر، نفی سلطه امپریالیسم در جهان و به حاکمیت رسیدن پرولتاریا و انقلاب پرولتری میباشند، اما در همین جهت که مضمون اساسی این دوران در همه کشورها کاملاً یکسان نبوده و بصورت واحد پیشرفت نمیکند، در یک جا مسئله اساسی بکنار رتبه دموکراسی و برقراری سوسیالیسم میباشند و در جای دیگر نفی سلطه امپریالیسم بصورت بسط و توسعه دموکراسی و تأمین استقلال و آزادی تحقق مییابد. م. ل. ها برای دستیابی به ما هیت واقعی یک جنگ متوجه دو امر میشوند که عبارت از وضعیت طبقاتی طرفین جنگ و سیاستهای حاکم بر جنگ میباشند. در این رابطه لنین مینویسد:

"حال چگونه میتوان به "ما هیت حقیقی" یک جنگ پی برد و آنرا تعیین نمود؟ جنگ ادامه سیاست است، باستانی سیاست قبل از جنگ را باستانی که جنگ از آن ناشی گشته و میگردد مطالع نمود. اگر چنانچه سیاست امپریالیستی بوده، یعنی از منافع سرمایه مالشی دفاع کرده، بفشارت و استثمار مستعمرات و کشورهای خارجی پرداخته است، در این صورت جنگی هم که از این سیاست ناشی میشود، جنگی است امپریالیستی، هرگاه این سیاست رهایی ملی بوده، یعنی بیانگر جنبش توده های علیه ستم ملی باشد، در این صورت جنگی که از آن ناشی میگردد، جنگ رهایی بخش ملی است. خرده بورژوازی درک نمیکند که "جنگ ادامه سیاست است" و نیز بهمین اکتفا مینماید که بگوید "دشمن حمله میکند" و یا "دشمن بکشور من هجوم آورده است"، بدون آنکه از خود سؤال کند جنگ برای چه هدفی و از جانب چه طبقاتی و بمنظور دست یافتن به کدام هدف سیاسی صورت میگیرد؟ ص ۲۱ "کاریکا توری از مارکسیسم، تاکیک و ازماست."

آری، برای تعیین "ما هیت حقیقی" یک جنگ باید دید که جنگ از جانب چه طبقاتی و بمنظور دست یافتن به کدام هدف سیاسی صورت میگیرد. جدا کردن این دو جنبه از یکدیگر یعنی وضعیت طبقاتی جنگ از سیاستهای که منجر به جنگ گردیده، نکته بسیار مهمی است که بی توجهی به آن برداشتهای غلط و انحرافی در برخورد به جنگها را موجب میشود. جدا کردن این دو جنبه از یکدیگر بازی قلمی نبوده و در واقع راه را بر برداشتهای انحرافی مینهد. جدا کردن "طبقه" و "سیاست" از یکدیگر از این لحاظ اهمیت دارد که توجه به هر دو جنبه بطور توان بخوبی در برگیرنده حالتی است که بین این دو مفهوم انطباق لازم و ما هیستوا وجود ندارد. قاعدتاً بین "سیاست" و "طبقه" انطباق و یکی نبود دارد. زیرا که هر سیاستی متأسفانه وضعیت اقتصادی اجتماعی طبقه معینی میباشند و هر طبقه بر اساس وضعیت اقتصادی - اجتماعی خویش سیاست معینی را دنبال میکند. چنانکه بورژوازی مترقی قرن نوزدهم قاعدتاً گامهایی مترقی در جهت انکشاف تاریخی جامعه بشری برمیداشت. و سیاستهای مترقی قی اتحاد مینمود. و بهمین گونه بورژوازی ارتجاعی امپریالیست قاعدتاً سیاستهای در جهت جلوگیری و مانعیت از تکامل تاریخی اجتماع داشته و در این راستا حرکت میکرد.

اما، این قاعدتاً همچون قانون انطباق اقتصاد و سیاست و زیر بنا

و روبنا، مطلق نبوده و تاریخ نشان دهنده موارد بسیاری از این عدم تطابق هاست. چنانکه تا پلئون اول که نماینده بورژوازی مترقی فرانسه بود در ۱۸۷۱ دست به حرکتی ارتجاعی سیاسی ارتجاعی بر علیه خلق روسیه زد، و سیاست جنگ امپریالیست با روسیه را در پیش گرفت و بهمین گونه بورژوازی امپریالیست فرانسه و کلاً متفقین در طول جنگ جهانی دوم سیاستی مترقی در جهت مبارزه بر علیه فاشیسم و همکاری با سوسیالیسم را در پیش گرفتند.

در حقیقت رابطه بین "طبقه" و "سیاست" یک رابطه دialectیکی است که گرچه قاعدتاً عمومی، وحدت و انطباق آنهاست، اما در عین حال بین آنها ناپیوستگی و تضاد نیز وجود دارد. بدین معنی که سیاستی ارتجاعی از جانب طبقه ای مترقی و یا برعکس سیاستی مترقی از جانب طبقه ای ارتجاعی یا ضد انقلابی پیروزند. در گاهی متافیزیکی در مواجهه با این رابطه دialectیکی بین "و" و "سیاست" از درک پیچیدگی وحدت و تضاد آنها عاجز مانده و صرف وجه وحدت آنها را در نظر دارند. و بصورت یک طرفه و یک بعدی سیاست را از نوع طبقه نتیجه گیری میکنند. در حقیقت علت و عارضه هر چه باشد، نتیجه آن نیز همانست، یا بعبارتی انگیزه هر چه باشد عمل نیز همانست.

این دیدگاه متافیزیکی را که در موضع گیری های سیاسی به نظرات کودکانه منجر میشود، در جریان اشغال سفارت بعینه مشاهده کردیم. این دیدگاه انتظار دارد که از طبقه ضد انقلابی یا نیروی ارتجاعی مطلقاً حرکت ضد انقلابی یا ارتجاعی تراوش کند. و از ضد انقلابی یا نیرویی مترقی مطلقاً حرکت انقلابی یا مترقی سرزند. و بهمین سبب گنج و حیران در برابر جریان اشغال سفارت خود در دیوار زده و سرانجام هم برای آن روشن نگشت که بهرحال - ا - سفارت حرکتی مترقی بود یا نه، در اینجا نشان خواهیم داد که بعضی از جنگها بوسیله طبقه ای ارتجاعی ولی با سیاستی مترقی برعکس صورت گرفته است که برای دیدگاههای متافیزیکی هض آن مشکل است. و اگر با درک دialectیکی از رابطه "طبقه" و "سیاست" سراغ ارزیابی جنگها نرویم هرگز نخواهیم توانست شناخت حقیقی از آنها بدست آوریم.

لنین در برخورد به چنین دیدگاه متافیزیکی که متعلق به خرده بورژوازی و بورژوازی است، مینویسد:

"برای خرده بورژوازم دانستن این مطلبی است که لشکریان کجا قرار دارند، و چه کسی در حال حاضر غالب است، برای یک مارکسیست مهم آنست که جنبه حاضریه چه منظوری در گرفته است، جنگی که در طی زمان این، زمانی آن سپاه میتواند پیروز باشد (همانجا تا کیدازماست).

منشویکهای روس نیز در برخورد به جنگ جهانی اول توجه داشتند که جنگ بوسیله چه طبقاتی صورت گرفته است، اما آنچه آنها نمیتوانستند و یا نمیخواستند در نظر داشته باشند، سیاست امپریالیستی حاکم بر جنگ بود، و اینکه سیاست مزبور خطم ارتجاعی داشته و یکدنیا با سیاست بورژوازی مترقی قرن نوزدهم تفاوت دارد.

پس در برخورد به هر جنگ کافی نیست توجه شود که جنگ بوسیله دنیوی ضد انقلابی یا دوطبقه بورژوازی صورت گرفته است، چرا یک بورژوازی ممکن است با سیاست امپریالیستی در جنگ شرکت کند و بورژوازی دیگر با سیاست ناسیونالیستی و دفاع از استقلال کشور خویش در برابر تجاوز و ستم بیگانه در آن شرکت جوید. یا نیروی ضد انقلابی ممکن است با سیاست توسعه طلبانه و ضد ترقی

فدا انقلابی یا ارتجاعی صورت گرفته و تدبیر لحاظ جنگ مزبور ارتجاعی است هیچ چیز از امیر ساند، مگر کودکی در ما رکستیم را و طبیعتی است که این چنین ذک ساد و لوحا نه براحتی مبتای بر خو ردهای ا پورتوئیستی چپ و راست قرار میگیرد.

خلاصه آنکه برای تعیین "ماهیت حقیقی" یک جنگ هم باید وضعیت طبقاتی طرفین جنگ را شناخت، هم اینکه سیاستها، هدفها و عواملی را که جنگ از آنها نشأت گرفته معلوم نمود. آنگاه باید مقایسه حاصل این بررسی با خلعت دوران پرداخته، و معلوم نمود که این جنگ در راستای روند مترقی دورانی که جنگ در آن صورت گرفته، میباشد یا برعکس منطق با خلعت و روند ارتجاعی موجود در آن صورت دارد. در همین حال، سبزه لازم به بررسی است که آیا این جنگ منطق با عنا ضرورتها و مترقی کشوری که جنگ در آن جریان دارد، میباشد یا برعکس است؟ بدین خاطر بررسی اینکه در کشور مزبور چه عنا ضرورتها و مترقی است، و چگونه نیروها و نهادهای سیاسی در برابر آنها ایستاده اند، از مقدمات مهم و ضروری برای تعیین ماهیت یک جنگ است.

بنابراین در برخورد به یک جنگ مهمترین چیز همانا بررسی مشخص است. باید معلوم نمود که جنگ بطور مشخص در چه عمده کشوری و بر متن چه مناسبات، بوسیله کدام طبقات و بنا بر چه سیاست و هدفی صورت گرفته است. اینن میگوید:

چگونه میتوان یک جنگ را شناخت، هرگاه آن جنگ ادامه سیاست قبلی آن دولت معین، سیستم دولتهای معین و آن طبقات معین در نظر گرفته نشود؟ تکرار میکنیم: این یک نکته اساسی است که غالباً نادیده گرفته میشود. (جنگ و انقلاب)

برای تعیین ماهیت جنگ ایران و عراق از هر طرف باید به همین گونه به بررسی مشخص پرداخت، و سیاسی را که جنگ از آن ناشی گشته و نیروها و طبقاتی را که جنگ بین آنها جریان دارد، و هدفهای را که طرفین جنگ دنبال میکنند معین ساخت. اظهار اینکه جنگ ایران و عراق بین دوشور و فدا انقلابی است و بنا بر این جنگ مزبور از هر دو طرف ارتجاعی و فدا انقلابی میباشد، بیش از آنکه ناشی از بررسی و برخوردی منطقی باشد، معمول برخوردی کودکانه به قضا سیاسی پیچیده است.

### ● جنگ ایران و عراق نیز ادامه سیاست است

برای بهره‌ر از برخورد سطحی و ساده لوحانه به مسئله جنگ ایران و عراق، و برای شناخت دقیق ماهیت حقیقی این جنگ، لازم است که اولاً معلوم نمود، طرفین این جنگ در اخل چه نیروها و چه طبقاتی هستند، شایعاً روشن ساخت که چه سیاستها و هدفهای منوط به بروز این جنگ گشته و سیاست و هدف اصلی که جنگ بیش از همه به حصول وادامه آنست، کدام میباشد؟

آنطور که از ظاهر امر و برپیداشت جنگ ایران و عراق جنگی است بین دو حکومت عراق و ایران، اما آیا واقعاً طرفین جنگ همیستند؟ آیا این ارتجاع منطقه نظیر ملک حسین، ملک خالد، شیبک کویت و سادات با حمایت و کمک مستقیم و غیر مستقیم خود در جنگ داشتند؟ خیل نیستند، و در طرف مقابل ایران قرار دارند؟ آیا حضور سرتاجان از دینی در عراق برای تقویت نظامی عراق نشانه شرکت کردن در جنگ بر علیه ایران نمیشود؟ آیا "ارتش آزادینش ایران" که دست پرورده امپریالیسم آمریکا میباشد در جنگ شرکت

میتد؟ دیگر در جنگ حاضر شود و در عوض نیروی فدا انقلابی مقابل با سیاست دفاع از استقلال کشور خود و حرکت مترقی جامعه خود در آن وارد نکرد. بنابراین سوم و بیست و یکم هر دو نیرویی فدا انقلابی بودند، اما یکی با سیاست ارتجاعی جنگ ۱۹۷۰ را آغاز کرد و دیگری با سیاست مترقی دفاع از وحدت آلمان.

استعما را انگلیس در قرن نوزدهم از موضع بازگرا نه و ضد انقلابی سعی در بریزیر و غ کشیدن افغانستان را داشت، و در نتیجه بین انگلیس و امیر افغان جنگ در گرفت. انگلیس جنگ را با سیاستی مفایر و متفا دبا منافع خلق افغانستان و در جهت سرکوب نیروهای مترقی آنجا آغاز نمود، اما امیر افغان بعنوان یک فتو دال به عنوان یک نیروی ارتجاعی جنگی را در برابر ارتجاع انگلیس در پیش گرفت که جنبه مترقی داشت و در جهت دفاع از منافع خلق افغانستان و حرکت مترقی جامعه افغانستان بود. به همین ترتیب امپریالیسم ایتالیای در دهه ۳۰ قرن اخیر به حبشه هجوم برد و سعی در تصرف کامل آنجا داشت، در مقابل حبشه تحت رهبری ها یله سلامتی فتو دالان مرتجع به جنگی مترقی بمنظور رهایی از یوغ ستم و تجاوز امپریالیسم ایتالیای دست زد.

جنگ از نظری بمعنای آنتاگونیسم یا تبعات دیگر شیوه آنتاگونیستی حل تضادی سیاسی است. و از این لحاظ همچون هر تضاد و دور از انچه بی ۲ سویا و دو طرف دارد. برای بررسی دقیق هر جنگ و شناخت ماهیت حقیقی آن لازم است که ماهیت هر دو طرف و نیز هدفهای سیاسی آنها را بخوبی معین ساخت. در بررسی جنگ از زاویه طرفین آن چند حالت ممکن است پیدا شود: اول آنکه جنگ بوسیله نیرویی مترقی یا انقلابی و با هدفهای مترقی بر علیه نیروهای ارتجاعی صورت گیرد، مانند جنگهای فرانسه در سالهای ۱۸۹۳ و ۱۸۵۶ بوسیله بورژوازی فرانسه که از نظر تاریخی نیرویی مترقی بودند با کشورهای ارتجاعی پروس و روسیه. یا جنگهای آزادی بخش جنبشهای مترقی خلقهای تحت ستم بر علیه سلطه امپریالیسم دوم اینکه جنگ از جانب نیرویی از لحاظ تاریخی مترقی اما با هدفهای ارتجاعی انجام شود. نظیر جنگ امپریالیستی ناپلئون بر علیه روسیه در ۱۸۱۲. یا جنگهای استعما ری بورژوازی مترقی اروپای نیمه اول قرن نوزدهم بر علیه ملت های آسیا و آفریقا. سوم اینکه جنگ بوسیله نیرویی فدا انقلابی و با هدفهای ارتجاعی انجام شود، مانند جنگهای ارتجاع اروپا بر علیه بورژوازی مترقی در قرن نوزدهم و با جنگهای امپریالیستی که بین دو طرف ارتجاعی صورت میگرفت.

چهارم اینکه جنگ بوسیله نیرویی ارتجاعی یا فدا انقلابی اما با هدفهای مترقی انجام شود، نظیر جنگ امیر افغان و ها یله سلامتی بر علیه استعما را انگلیس و امپریالیسم ایتالیای و با مورد مقابله جنگ امپریالیستی ناپلئون. یعنی جنگ تر از ارتجاعی روسیه بر علیه ناپلئون و بمنظور رهایی روسیه از یوغ ستم و تجاوز ناپلئون در ۱۸۱۲. به همین گونه جنگ حکومت فدا انقلابی آلمان با امپراتور اعظمی بیست و یک بر علیه تجاوز فرانسه در ۱۸۷۰. ما دام که جنبه متناقضی داشت از خلعت مترقی برخورد را برود، و هدف آن دفاع از حرکت روسیه پیش آلمان در جهت وحدت و اتحاد ملی و عقابله تجاوز و زبانه این حرکت مترقی بود.

با این توضیحات پیدا است که توجه یکجا به این است که جنگ از جانب چه کسانی و چه طبقاتی صورت گرفته و تعیین ماهیت جنگ بنا بر تعیین مزاجاً وضعیت طبقاتی و ماهیت طرفین جنگ چه نسبتاً و مواضع بخوا و به کجاست. منجر میشود اظهار اینکه فلان جنگ بین دو نیروی ... لازم به تذکر است که ما اینجا هم "مترقی و ارتجاعی" را با "فدا و انقلابی و فدا انقلابی" مرادف و یکسان نمیانیم و در



## ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

## رزمندگان

ساده کودتا را بنا گزیر ترک گفته است و سیاست جنگ، شورش و تهاجم را برای سرنگونی جناح خمینی اتخاذ کرده است.

در این میان، حکومت عراق که رژیم می و وابسته به امپریالیسم آمریکا محسوب نمی شود، خاک خود را تبدیل به پایگاه ایستادن مزدوران امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب نمود، و هر چه بیشتر به رژیم میهای ارتجاعی منطقه نظیر ملک خالد، ضیاء الحق، ملک حسین بر علیه ایران نزدیک گردیدند، رژیم بعثی عراق وابسته و سرسبز - ده به امپریالیسم نمیباشد پس چرا آن تشبیه را معرکه توطئه میسازد؟ امپریالیسم بر علیه ایران گردیده و خاک خود را به پایگاه عملیات ضد انقلاب مغلوب بر علیه ایران تبدیل کرده است؟

اشتراک عمل عراق با ضد انقلاب مغلوب و در واقع با امپریالیسم آمریکا را بر علیه ایران نباید لزوماً محصول وابستگی عراق از سیاسی نمود، زیرا که اشتراک منافع بورژوازی و ارتجاعی نیز می تواند به چنین نزدیکی و همکاری منجر گردد. حکومت عراق مدتی طولانی است که مواضع نسبتاً مترقی خود در دفاع از جنبش های آزادیبخش منطقه و کمک به آنها را بر علیه رژیم های ارتجاعی و امپریالیسم رها کرده و چرخش به راست نموده است. این امر در داخل کشور نیز بصورت تشدید سیاست سرکوب و کشتار انقلابیون دنبال شده است.

بر مبنای این گرایش بر است رژیم عراق، با بدبختی و تمام یلالت و انگیزه های جاه طلبانه آن در تبدیل شدن به قدرت برتر و برگردن جای ایران در منطقه توجه داشت. عراق که سودای تسلط داشتن بر خلیج فارس و ایفای نقش ژاندارمی در آن را در سر میپوراند، پس از سقوط رژیم شاه زمینه را برای عملی نمودن این آرزوی خود فراهم میببیند، و در این جریان به رژیم های ارتجاعی منطقه مانند عربستان و شیخ نشین ها که از رژیم جمهوری اسلامی سخت بیگانه بودند، نزدیک میگردد.

بعلاوه شرایط بحرانی درون عراق و رشد تظاهرات ها و اعتراضات مردم عراق، رژیم بعث را نسبت به حکومتی که تا حدودی بر علیه ارتجاع منطقه و امپریالیسم عملی میکرد و... و کشوری که منبع انتقال امواج انقلابی از درون شرایط متلاطم و متشنج خود به اطراف بود، سخت جاسوس و موش میساخت. به خصوص که حکومت جمهوری اسلامی آشکارا از جریانات سیاسی - مذهبی مخالف رژیم بعث حمایت مینمود و از موضع ارتجاعی پان اسلامی نسبت به حکومت های عرب منطقه برخوردار میگردد.

این عوامل رویهمرفته زمینه نزدیکی عراق را به نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم منطقه فراهم ساخته، و موجب آن گشت که عراق وسیعاً به همکاری با ضد انقلاب مغلوب ایران یعنی مزدوران امپریالیسم بر علیه ایران بپردازد و بطبعاً سیاست جدید امپریالیسم آمریکا در تشکیل "ارتش آزادیبخش ایران" و "برنامه جنگ و شورش و تهاجم و زمینه سرنگونی خرد بورژوازی حاکم" تبدیل آن رژیم به حکومتی کاملاً بورژوازی با منافع توسعه طلبانه عراق و تمایل آن به برقراری شرایط آرام و مطلوب در این منطقه است. انطباق و همسویی منافع و سیاست های عراق و امپریالیسم آمریکا هرگز بمعنای پیروی عراق از برنامه ها و سیاست های دیکته شده امپریالیسم آمریکا نمیباشد.

علاوه بر این مغلوب از طریق بغرنجی بختیاری و شایعات درون ایران از مدتها پیش از حمله عراق به ایران، و اخیراً شهر پیروز مهرآباد تا ریخ بازگشت خود به ایران معین کرده بودند، و در شهر پیروز اخبار مربوط به نقل و انتقالات نظامی آمریکا در منطقه و ارسال اسلحه برای بلوچ ها و قشای ها، و احتمال آغاز حرکت های در مناطق مختلف ایران بر علیه حکومت راج و پراکنده بود. بهر حال بنا بر شواهد و دلایل فوق جنگ تجاویز عراق بر علیه

نمیکنند؟ یا اویسی ها و پالیزبان ها و بختیارها با اختیار خود با حکومت عراق بر علیه ایران همکاری میکنند؟ آیا همکاری فعال ضد انقلاب مغلوب ایران و ارتجاع منطقه و رژیم های وابسته به آمریکا با حکومت عراق مستقل از سیاست امپریالیسم آمریکا است؟ برآستی، کدام ساده لوح میتواند چنین اظهار نظری بنماید؟ حال با این تفصیلات میتوان گفت که تنها حکومت عراق یعنی بورژوازی ضد انقلابی عراق است که با ایران میجنگد؟ آیا بطرف مقابل جنگ ایران فقط بورژوازی عراق است و امپریالیسم آمریکا بطور غیر مستقیم و از طریق ضد انقلاب مغلوب و ارتجاع منطقه در طرف مقابل ایران قرار ندارد؟

امپریالیسم آمریکا از مدتها پیش که دریافت رژیم حاکم بر ایران آنچنان که با بدو شایع منافع آنرا تا مین نکرده، و حتی مواضع زیادی در برابر آن ها چه در ایران و چه در منطقه بوجود میآورد، در صدد براندازی حاکم متشکل از خرد بورژوازی و بورژوازی را بنفع بورژوازی درهم بشکنند، و رژیم را در ایران مستقر کنند که با سیستم سرمایه داری وابسته سازگار و منطبق باشد زیرا که بلوک متشکل از خرد بورژوازی و بورژوازی بهیچوجه دولت طبیعی مناسب سیستم سرمایه داری وابسته نمیباشد، و در راه تشدید و تحکیم نظم طبیعی و مطلوب سرمایه داری وابسته و تا مین منافع امپریالیسم خلل ایجاد نمیکند. ما بخوبی در "رزمندگان" آن سیاستها و عملکردهای رژیم حاکم را که در ضدیت با منافع امپریالیسم و سازگار با نظم سیستم سرمایه داری وابسته بوده اند، دنبال کرده ایم. و در اینجا نیازی به بازگو کردن آنها نمیباشد.

البته شکی نیست که رژیم حاکم ایران یعنی همان بلوک خرد بورژوازی و بورژوازی در مجموع در جهت پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب و خلق ایران عمل کرده است. اما این تلاش رژیم حاکم و سیاست آن در جریان حفظ سیستم سرمایه داری وابسته، آمیخته با سیاستها و عملکردهای خاص خرد بورژوازی و در نتیجه سازگار با منافع همه جانبه سرمایه داری وابسته و نیز امپریالیسم بوده که اما مین ناخالصی در اداره سیستم سرمایه داری وابسته، و اوادامه حاکمیت خرد بورژوازی بورژوازی، برای سیستم سرمایه داری وابسته عمیقاً بحران زده، و متلاطم ایران سخت زیانبار و برای امپریالیسم تحملناپذیر بوده است. به همین خاطر که امپریالیسم آمریکا دیگر امید خود را به "هل شدن و آرام گشتن رژیم جمهوری اسلامی رها کرده و در صدد براندازی این رژیم را ساقت نماید، و در این راه به چند کودتا دست زد. اما این کودتاها هیچگاه اثری نکرد، و حتی قدرت و نفوذ امپریالیسم را در ارتش بعثت و شدت کاهش داد.

از آنجا که در نتیجه شکستهای متعدد بر نامه های امپریالیسم و تضعیف قدرت و نفوذ امپریالیسم و بورژوازی در ارتش، بدلیل نظامی و نیز بدلیل سیاسی و اجتماعی، امکان حرکتی موفقیت آمیز از طریق ارتش و کودتا بمنظور ساقت کردن خرد بورژوازی حاکم ضعیف و ناچیز شده بود، امپریالیسم آمریکا از چند ماه پیش سیاست تشکیل "ارتش آزادیبخش ایران" در عراق و سازمان دادن به گروه های ارتجاعی ناراضی در ایران و مسلح نمودن آنها را در پیش گرفته است. مسلح نمودن عناصر ناراضی فارسی خاندانهای مرتجع بلوچ و برخی از عناصر و همکاران این گروه های ارتجاعی ناراضی با ضد انقلاب مغلوب یعنی با بختیار و پالیزبان و اویسی همگی بر بستر سیاست جدید امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی خرد بورژوازی حاکم و تبدیل رژیم کنونی به رژیم در اختیار بورژوازی صورت گرفته است. امپریالیسم دیگر سیاست بهایان اویسی و پالیزبان پس از تصرف قصر شیرین به این منطقه آمده اند، اویسی نیز چند روز پیش در تلويزيون بغداد حاضر شده و از پشت دوربین تقاضا کرده است که ایرانیان با ارتش ایران همکاری کنند.

ایران، نه فقط جنگ عراق با ایران که جنگ ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم آمریکا با ایران نیز می باشد. آمریکا در این جریان سیاستمداران و موضع بیطرف گرفته، و از طریق ضد انقلاب مغلوب و پادشاهی خود نظیر اردن و عربستان مسئله را دنبال میکند. تا اگر احیاناً این عملیات بشکست آنجا می رسد، همه راه های نفوذ به ایران و پیشبرد مقاصدش بسته می شود، و بتواند از دردیگری برای دنبال کردن منافع و سیاستهای خود وارد شود. بویژه آنکه، حل مسئله گروگانها، در نتیجه انتخابات آمریکا، بسیار موثر بوده، و دولت کارتر حتی حاضر به دادن امتیازاتی در جهت حل آن و استفاده از آن برای انتخابات می باشد. در نتیجه وضعیت نیروهای طرف مقابل ایران در جنگ بدین ترتیب است که حکومت بورژوازی عراق و ضد انقلاب مغلوب مستقیماً در جنگ شرکت دارند، اردن و ارتجاع منطقه بطور غیر مستقیم و امپریالیسم آمریکا بگونه بی تا آتشکار و در واقع از طریق مزدوران خود یعنی ضد انقلاب مغلوب که همان بورژوازی انحصاری و عناصری از بورژوازی لیبرال ایران باشند در جنگ دخیل اند.

اما طرف دیگر جنگ که بظاهرا ایران باشد، شامل حکومت جمهوری اسلامی یعنی بلوک خرده بورژوازی - بورژوازی حاکم و توده های خلق ایران می باشد. بلافاصله پس از تجاوز وسیع هواپیماهای عراق و بمباران فرودگاهها و پایگاههای ایران، توده های وسیع مردم بخیلانی آمده و روحیات ملی، استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی آنها سخت برانگیخته گردید. توده های وسیع زحمتکش شهر نشین سرعت در اطراف فرودگاهها بساختن سنگر دست زدند و آماده مبارزه با تجاوز و عراق گردیدند. جالب اینک که حتی در مناطق عرب نشین جنوب ایران که عراق آنرا "عربستان ایران" مینامید، و انتظار داشت که توده های عرب هلهله گویان با استقبال لشکریان عراق بشتابند، و نیروهای مسلح ایران را از خوزستان بیرون کنند، توده های زحمتکش عرب و سیاح در کنار زحمتکشان فارس با جان و دل به مقاومت در برابر هجوم و تجاوز عراق همت گماشتند، و تنها شیوخ مرتجع عرب منطقه و بخش قلبی از عربها به همکاری با نیروهای تجاوزگر عراقی پرداختند.

توده های مردم ایران مدتهاست که از اشتراک سیاسی امپریالیسم آمریکا و دولت یعنی عراق آگاه بوده و هرگز دچار توهمات و کج اندیشی های حامل ازالگو و تفکر دکماتیک برخی از کمونیستهای نگردیده اند، که جنگ بین ایران و عراق را صرفاً جنگ ایران با حکومت عراقی بتنهایی بیندازند آنها با درک سطحی و محدود خود و نیز بر اثر تبلیغات انقلابیون چهره کزیه امپریالیسم آمریکا را در پی فعالیت آزاد و وسیع پاتیزبانها و وایسی ها در عراق و تبلیغات رادیوهای بختیار و وایسی در آنجا تشخیص دادند و فهمیدند که در کنار دشمنی عراق با ایران، ضد انقلاب مغلوب و آمریکای زخم خورده از انقلاب ایران قرار دارند و اینها همگی مترعدند که آب رفته را بجوی بازگردانند و بساط حکومت مزدور سرسپرده امپریالیسم آمریکا را دوباره در ایران بگسترانند.

توده های مردم ما اگر توهم عمیق خود را نسبت به حکومت کنونی از دست داده بودند، و اگر نا رضایتی و مخالفت آنها با رژیم جمهوری اسلامی گسترش یافته بود، و اگر بر اثر اعتراضات و مبارزات روزمره خود تدریجاً میرفتند که رژیم جمهوری اسلامی را نیز بزانسو در آورند، اما هرگز خاطره شوم و تلخ سالها حکومت نکبت با رودیکتا نوری سیاه پهلوی را فراموش نمیکنند و هرگز جنایات امپریالیسم آمریکا را در حمایت همه جانبه و تقویت آن رژیم و تلاش در تحکیم جفکان و دیکتاتوری آن از پادشاهی و پهلوی و هیچ وجه از زانو نخواهند داد که استقلال سیاسی شان را نندگذاشته باز بچه اراده امپریالیستهای گرد و آن مناسبات تحت سلطگی سیاسی دوباره احیا شود.

بدین جهت بود که بعضی تجار و هواپیماهای عراق به ایران، توده های مردم ایران همگی بخیلانی آمده و بی آنکه تبلیغات گسترده ای از قبل در زمینه تحریک احساسات شورشی در آنها صورت گرفته باشد و با آنکه نسبت به رژیم حاکم سخت نا راضی بودند و یکبار چرخ برای مقابله با تجاوز عراق به تکانها افتادند، و در واقع برای مقابله با امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب مغلوب و جلوگیری از بازگشت اوضاع سابق به کشور بحرکت درآمدند. آنها در اصل نه بخاطر دفاع از حکومت بلکه برای حفظ دست آوردهای انقلاب و برای جلوگیری از برپا شدن آن مقدار استقلالی که برایشان قیام بهمن ماه بدست آورده بودند، راهی جبهه نبرد خونین با تجاوزگران عراقی شدند و سنگرهای مقاومت در برابر هجوم آنها را بوجود آوردند.

و بهرواضح است که پس از پایان جنگ همین توده ها با انتظارات بیشتر و احساس قدرت فراوانتر از گذشته با حکومت مواجه خواهند شد و خواسته های وسیعتری را دنبال میکنند.

اما، حکومت جمهوری اسلامی ایران بعنوان نیروی اصلی هدایت کننده جنگ با عراق یکپایه مهم جنگ با عراق بشمار میرود و در جناح خرده بورژوازی و بورژوازی حکومت خواستار مقابله با عراق و طرد و خنثی کردن تجاوز آن بودند. یکی جدی تر و یکی عریض تر - و با وجود آنکه در اصل بخاطر دفاع از حکومت ضد انقلابی خود و برای حفظ آن در برابر برپا شدن امپریالیسم و عراق در جنگ شرکت میکردند، اما با زمامت نگذاشتن حکومت خواستار طرد تجاوز و عراق و خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و بیرون کردن نیروهای آن از خاک ایران بوده و در این راه سعی میکنند هم "پاسداران" که از گمان خرده بورژوازی بود، و هم ارتش و سیاحان را در این جنگ شرکت داشتند. اما، خبرهای رسیده از جریان جنگ حکایت از وجود کارشکنی و اختلال برخی از فرماندهان و افسران ارتش یعنی بخشی از بورژوازی ایران در جریان جنگ و تلاش آنها برای شکست نظامی ارتش در برابر عراق را دارد، یعنی آنکه، اگر زمامت نگذاشتن اصلی بورژوازی حاکم بواقع در جهت مقابله با تجاوز عراق و شرکت فعال در جنگ بر علیه عراق تلاش میورزیدند، اما برخی از عناصر و محافل بورژوازی و ضد انقلاب مغلوب در درون ارتش بیشتر طالب آن بودند که عراق و در حقیقت امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب پیروز شوند، با این وجود، یعنی علیرغم پارهایی کارشکنی ها و مخالفت ها از جانب عناصر و محافل بورژوازی درون ارتش، نمایندگان اصلی بورژوازی حاکم ایران بدنبال خرده بورژوازی موافق جنگ بر علیه تجاوز عراق و برپا شدن توده های مشترک ضد انقلاب مغلوب، عراق و امپریالیسم بود.

بنابر این جنگ ایران و عراق از زاویه اینکه "از جانب چه طبقه ای" صورت گرفته و ما هیت طرفین آن چیست، به ترتیب زیر می باشد: در یک طرف بورژوازی عراق با توافق ضد انقلاب مغلوب یعنی بورژوازی وابسته انحصاری دوران رژیم شاه و عناصری از بورژوازی لیبرال قرار دارند که بطریق گوناگون از جانب ارتجاع منطقه و امپریالیسم آمریکا حمایت میشوند، و در طرف مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایران یعنی خرده بورژوازی سنتی مرفه و بورژوازی لیبرال اما نه تمام با توافق توده مردم ایران قرار دارند. و نیز از لحاظ اینکه "آدا چه سیاست ها" و در اصل محصول چه هدفهایی است بصورت زیر می باشد: بورژوازی عراق، ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم آمریکا متفقاً در پی آن بودند که خرده بورژوازی حاکم را بفتح بورژوازی برپا کنند تا اولاً رژیم متناسب و منطبق با سیستم سرمایه داری وابسته بروی کارآید تا به تدریجاً از پس سرکوب انقلاب ایران و اعاده نظم مطلوب سرمایه وابسته برآید، تا نهایتاً امتیازات مناطقی از خاک ایران

در این میان نصیب بورژوازی عراق گردیده و بویژه شرمزاحمی سخت که برای اوضاع روبه تلاطم عراق زیانبار بود، از میان برداشته شود یعنی حکومتی بورژوایی و وابسته جایگزین بلوک حاکم کنونی گردد، تا هم، با نزدیکی به امپریالیسم منافع آنرا تأمین کند و هم اینکه ارتجاع منطقه را از وحشت "دوران انقلاب اسلامی" سوده نماید و بخصوص اینکه اوضاع داخلی ایران را از همه لحاظ به نفع بورژوازی تغییر دهد، و همه آثار انقلاب را با قاطعیت و تدبیر سیاست بورژوازی نابود سازد.

در مقابل، رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختلافات درونی آن سیاستی مستقل از امپریالیسم را - البته پیرون از محدوده اقتصاد و وسایل تولیدی و جنگی - چه در داخل و چه در خارج از کشور دنبال می نمود، و در مجموع از نظر سیاسی حکومتی غیر وابسته و مستقل از امپریالیسم را اداره میکرد، که چنین حکومتی با سیاست "نه شرقی نه غربی" آن برای امپریالیسم و ارتجاع منطقه تحمل ناپذیر بود. این حکومت غیر وابسته که در نتیجه جنبش انقلابی توده های مردم بر علیه رژیم پهلوی و سلطه امپریالیسم و بر اثر سازش و قیام در سال ۵۷ بر روی کار آمدن همان آستانه قیام رودر روی حرکت توده ها و در جهت بسط و تداوم انقلاب ایستاد و شدیداً به سرکوب وسیع توده های انقلابی مناطق مختلف کشور پرداخت. با این حال، یعنی با وجود آنکه حکومت پس از قیام آشکارا وظیفه سرکوب انقلاب و توده های خلق را در پیش گرفت، و در برابر توده ها به دفاع از پایه ها و ارکان پیستم سرمایه داری وابسته دست زد، اما، برای امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته حکومتی در خور و مناسب نبود، و ادعاه موقعیت هرز و نیک خرده بورژوازی در این حکومت و نیز وضعیت مستقل و غیر وابسته آن برای امپریالیسم تحمل ناپذیر و نامطلوب بود. عملکردها و سیاستهای این حکومت گرچه در مجموع به پاسداری از پیستم سرمایه داری وابسته در برابر حرکت توده ها در جهت تداوم انقلاب معطوف بود، ولی سیاستهای خاص خرده بورژوازی از قبیل "اشغال سفارت"، "برخورد به گروگانها"، "اصلاحات ارضی" و... در داخل و سیاست پان اسلامیم و حمایت آن از جنبش های اسلامی فدرالیسم های ارتجاعی عرب و مخالفت با حکومت های سرسپرده و مزدور امپریالیسم در خارج از ایران، سراسر تأمین منافع سرمایه انحصاری و امپریالیسم بود. و دقیقاً همین سیاستهای خرده بورژوازی، زمینه های کشیده شدن عراق به جنگ با ایران فراهم نمود. سیاستهایی که از یکسو متوجه سرکوب بی دریغ انقلاب و خلق ایران بود و از سوی دیگر در جهت ضدیت با منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه عمل کرده است.

جنگ ایران و عراق صورت جنگی تجاویزی از جانب عراق و جنگی دفاعی از طرف ایران را بخود گرفته است. تجاویز عراق نه فقط بر علیه رژیم جمهوری اسلامی است، بلکه همچنین در اصل بر علیه انقلاب و استقلال سیاسی ایران میباشد، و چنانکه گفتیم متوجه روی کار آوردن رژیم کا مل بورژوایی و وابسته به امپریالیسم میباشد. جنگی که اگر مستقیماً و ظاهراً بر علیه حکومت غیر وابسته و ضد انقلابی جمهوری اسلامی است، اما در عین حال بر علیه استقلال سیاسی ایران میباشد، جنگی تجاویزی بر علیه ضد انقلاب حاکم و نیز در اصل بر علیه خلق، انقلاب و استقلال ایران.

در مقابل، جنگ دفاعی ایران از طرف شرکت کنندگان در آن هدفهای یکسانی را دنبال نمیکند. رژیم جمهوری اسلامی گرچه به دفاع از استقلال سیاسی ایران پرداخته، اما بیش از هر چیز در پی دفاع از حکومت ضد انقلابی خود، یعنی دفاع از ضد انقلاب خرده بورژوایی - بورژوایی در برابر عراق و امپریالیسم میباشد. بهمین خاطر است که رژیم حاکم همزمان با جنگ وسیع با عراق، شدیداً به سرکوب نیروهای انقلابی در کردستان و در نقاط دیگر می

پردازد. جنگ حکومت جمهوری اسلامی، دفاع از ضد انقلاب حاکم استقلال سیاسی ایران در برابر عراق و امپریالیسم میباشد. اما توده ها در این جنگ دفاعی، امر دفاع از انقلاب و دست آوردهای آن، و از جمله استقلال سیاسی ایران را دنبال میکنند. در این جنگ دفاعی آنها در پی خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و تجاویز عراق که بمنظور بازگرداندن اوضاعی نسبتاً شبیه سابق صورت میگردد، میباشد. توده ها گرچه در حال حاضر، در برابر تجاویز عراق و در کنار حکومت جمهوری اسلامی قرار میگیرند، اما آنها را هرگز تلاش در راه ادامه انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب حاکم و پیگیری خواستهای بحق خود را فراموش نمی کنند. توده های مردم مساهل را نه در برابر اوضاع جنگ، بطور خود بخودی حرکتی درست را در پیش گرفتند آنها همچون بسیاری از کودکان چپ نمای جنبش کمونیستی رفتار نکردند و نگفتند که جنگ موجود چون جنگ دو ضد انقلاب است، پس از هر دو طرف ضد انقلابی و ارتجاعی بوده، و ما را جز مقابل و مخالفت با آن کاری نیست. آنها به تجربه و بطور خود بخودی و کورد ریافته بودند که بین ضد انقلاب و ضد انقلاب، بین ارتجاع و ارتجاع فرق هست. آنها گرچه از حکومت آخوندها - بقول خودشان - ناراضی بودند، اما باز به خطر عمده و مهمترین امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب در این جنگ واقف بودند. آنها بین ضد انقلاب وابسته و مزدور با ضد انقلاب غیر وابسته، بین ضد انقلاب بورژوازی و رگ و امپریالیسم با ضد انقلاب خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط فرق میگذاشتند - هر چند بطور سطحی و با درک عامیانه خود - و چنان عمل کردند که بینایی علمی و شوریک بعضی از کمونیستها در مقابل کوری علمی آنها کوری محض بود. البته تفاوت گذاشتن بین ضد انقلاب نه از این زاویه است که یکی بهتر از دیگری بوده و بر آن ترجیح دارد، و باید آنرا انتخاب کرد، بلکه مسئله پیشبرد انقلاب و حفظ دستاوردهای آنست که در پروسه پیشرفت خود از نظر مبارزاتسی بین دو ضد انقلاب یا دو ارتجاع نیازمند تفاوت قائل شدن است. این چنین جنگی دفاعی هر چند که عمدتاً بنسبیل نیرویی ضد انقلابی هدایت شود، ارتجاعی محسوب نمی شود، و حتی ترقی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و رشد اردوی مبارزاتی آن در حال حاضر اجباراً از گامال چنین جنگی میگردد. جنگی که متوجه خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و تجاویز عراق بر علیه انقلاب و استقلال ایران میباشد، جنگی برحق و مثبت است. این چنین جنگی را حتی با وجود آن که حکومت ضد انقلابی ایران در آن بار خود را علیه انقلاب می بیند، هرگز نمی توان با اعتبار ارتجاعی بودن حکومت شریک در آن، ارتجاعی بحساب آورد. جنگ دفاعی در برابر تجاویز عراق و توطئه های امپریالیسم جنگی برحق بوده، و در جهت حرکت مترقی خلق ایران بر علیه امپریالیسم و به نفع توده های خلق میباشد چرا که مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از بازگشت سلطه سیاسی امپریالیسم نقش موثری در پیشبرد روند مبارزه طبقاتی ایران داشته و با مبارزه جهانی در جهت نابودی امپریالیسم همسو میباشد. نابودی امپریالیسم در کشوری نظیر ایران مستلزم نابودی سرمایه داری وابسته و سرکوب قهری بورژوازی است. تلاش در راه برقراری و یا حفظ استقلال سیاسی و طرد سلطه سیاسی امپریالیسم با وجود آنکه بمعنای نابودی سرمایه داری وابسته و سرنگونی بورژوازی نمیشود، اما باز تا شریک سازی در فراهم آوردن زمینه لازم برای وارد کردن ضربه قطعی بر پیکر بورژوازی و سرمایه داری وابسته دارد. درست است که مبارزه در راه استقلال سیاسی جنبه محوری و اصلی در راستای انقلاب ایران ندارد، اما این مبارزه نقش مثبت و موثری در پیشبرد و ترقی مبارزه طبقاتی و انقلاب ایران داشته، و بهمین جهت سیاست دفاع از استقلال سیاسی و جنگ در راه آن از خصلت مترقی برخوردار است.